

راهکارهای گسترش
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)
و سرریزهای دانشی در ایران

کد موضوعی: ۲۱۰

شماره مسلسل: ۱۳۳۳۳

آذرماه ۱۳۹۲

به نام خدا

فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه	۲
۱. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انواع آن	۴
۲. روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران	۹
۳. عوامل مؤثر بر گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۱۶
۴. عوامل مؤثر بر جذب سرریزهای دانش از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۲۵
۵. پیشنهادهای سیاستی مؤثر بر گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران	۲۶
۶. پیشنهادهای سیاستی مؤثر بر جذب سرریزهای دانش ناشی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۳۱
منابع و مآخذ	۳۳



راهکارهای گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)^۱ و سرریزهای دانشی در ایران

چکیده

رشد اقتصادی ازجمله مهمترین متغیرهای اقتصادی است که همواره مورد توجه اقتصاددانان و سیاستگذاران اقتصادی کشورها قرار دارد. با توجه به اهمیت متغیر فوق اکثر سیاست‌های اقتصادی به‌کار گرفته شده در کشورها در جهت دستیابی به رشد بالای اقتصادی و در نتیجه آن نیل به توسعه اقتصادی می‌باشد. این موضوع مخصوصاً در کشورهای درحال توسعه ازجمله ایران بیشتر مورد توجه است، زیرا با توجه به مشکلات ساختاری موجود در کشورهای درحال توسعه دستیابی به نرخ رشد بالای اقتصادی به سادگی قابل دستیابی نیست. سرمایه‌گذاری همواره به‌عنوان یکی از عوامل اصلی اثرگذار بر رشد اقتصادی کشورها مطرح بوده و یکی از راه‌های افزایش سرمایه فیزیکی در کشورهای درحال توسعه ازجمله ایران با توجه به محدودیت پسانداز موجود در این کشورها و وجود شکاف بین پسانداز - سرمایه‌گذاری، بهره‌مندی از سرمایه‌های خارجی در قالب FDI است. در این راستا، موضوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انواع آن مورد بررسی قرار گرفته است. در پی آن روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران به اجمال مورد اشاره قرار گرفته است. علاوه بر این به تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر متغیرهای کلان اقتصاد اشاره شده است. سپس ضمن بررسی عوامل مؤثر بر گسترش سرمایه‌گذاری خارجی، عوامل مترتب بر جذب سرریزهای دانش بین‌المللی از گذر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تبیین شده است. شواهد حاکی از آن است که سرمایه انسانی بالا در یک کشور میزبان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند منجر به افزایش شتابان و مستمر رشد اقتصادی گردد. البته این نکته را نیز باید در نظر داشت که در صورتی‌که شکاف تکنولوژی بین دو کشور سرمایه‌گذاری‌کننده و سرمایه‌گذاری‌گیرنده در حد زیادی باشد، ضمن اینکه انتقال تکنولوژی صورت نمی‌گیرد. اثر سرریز دانشی نیز شکل نمی‌پذیرد اما به‌طور کلی باید گفت نتایج و شواهد گزارش حاضر بر این موضوع دلالت دارد که FDI علاوه بر انتقال فیزیکی سرمایه به دنبال خود جابه‌جایی سرریزهای

دانش بین‌المللی را نیز دارد.

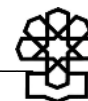
به‌طور خاص در مورد اقتصاد ایران باید گفت با توجه به آنکه حجم بالای FDI ورودی به اقتصاد ایران به زیربخش‌های نفت و گاز و به‌طور کلی پتروشیمی وارد شده است؛ بنابراین FDI صورت گرفته از نوع افقی بوده و نتوانسته است عوامل داخلی آن طور که باید تحریک نماید. در نتیجه ورود سرمایه‌های مستقیم خارجی در بخش صنعت و معدن و کشاورزی کشور می‌تواند زمینه تحریک عوامل داخلی را فراهم نموده و امکان بهره‌مندی از آثار سرریز دانش را برای اقتصاد ایران فراهم می‌کند. در این زمینه مشخص نمودن مشوق‌های لازم برای جذب سرمایه‌های خارجی در بخش صنعت، معدن و کشاورزی می‌تواند راهگشا باشد. برنامه‌ریزی مناسب برای ارائه یارانه به بنگاه‌های تولیدی دارای خط تولید تکنولوژی قدیمی در جهت تعویض فرآیند تولید با خطوط پیشرفته نیز می‌تواند در نوسازی مناسب بخش‌های مختلف اقتصاد مهم باشد.

مقدمه

تئوری‌های نئوکلاسیک رشد اقتصادی انباشت سرمایه را به‌عنوان منبع درونزای رشد معرفی نمودند، اما با توجه به کاستی‌های موجود در مدل‌های فوق‌الگوهای رشد درونزا توسط اقتصاددانان ارائه شدند، که شامل نظریه‌های مبتنی بر سرمایه انسانی و نظریه‌های مبتنی بر تحقیق و توسعه (R&D)^۱ می‌باشند. در نظریه‌های مبتنی بر سرمایه انسانی^۲، انباشت سرمایه انسانی و بهبود کیفیت نیروی کار به‌عنوان عامل رشد بلندمدت پایدار در اقتصاد شناخته می‌شود. در نظریه‌های مبتنی بر R&D که به اقتصاد دانش^۳ نیز معروف هستند، اعتقاد بر آن است که ابداعات و نوآوری نتیجه آشکار فعالیت‌های R&D در بنگاه‌ها بوده و منجر به رشد اقتصادی می‌گردد. همچنین R&D از طریق ایجاد آثار جانبی در موجودی علم و دانش، کاهش هزینه‌های R&D را به‌دنبال دارد، که منجر به بازدهی ثابت نسبت به سرمایه‌گذاری در R&D می‌گردد (امینی و حجازی آزاد، ۱۳۸۷: ۹).

R&D از طریق ارائه کالاهای سرمایه‌ای جدید عملکرد اقتصادی را بهبود می‌بخشد و از طریق ایجاد آثار جانبی در دانش منجر به کاهش هزینه‌های R&D می‌گردد و رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. بنابراین، می‌توان بیان نمود که فعالیت R&D داخلی، جذب R&D خارجی و سرمایه انسانی از مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر رشد اقتصادی کشورها به‌شمار می‌روند. R&D داخلی

1. Research and Development (R&D)
2. Human Capital
3. Knowledge Economics



از طریق سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و دولتی یک کشور صورت می‌پذیرد، ولی R&D خارجی از طریق تجارت یا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)^۱ به داخل کشور انتقال می‌یابد. در نتیجه با ورود کالاهای سرمایه‌ای از کشورهای پیشرفته و انتقال تکنولوژی پیشرفته امکان جذب سرریزهای R&D بین‌المللی برای کشور فراهم می‌گردد که این موضوع موجب افزایش سهم رشد بهره‌وری کل عوامل در رشد اقتصادی کشور می‌گردد. همچنین کشورها می‌توانند از طریق سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه در زمینه R&D داخلی زمینه جذب و بومی نمودن R&D خارجی را فراهم نمایند (شاه‌آبادی، ۱۳۸۶: ۱۰۱ و ۱۰۲).

کشورهای درحال توسعه می‌توانند منابع مالی ارزی خود را از طریق منابعی مانند بانک جهانی (WB)^۲ و بانک‌های منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی (FPI)^۳ و FDI تأمین نمایند. مورد اول از طریق دولت‌ها و مؤسساتی مانند صندوق بین‌المللی پول (IMF)^۴ صورت می‌گیرد که می‌تواند بحران بدهی‌ها و مشکلاتی در خدمات بدهی را برای کشورها به‌همراه داشته باشد. در رابطه با دو مورد دیگر اما بخش خصوصی نقش اصلی را داشته و در قالب شرکت‌های چندملیتی (MNCs)^۵ صورت می‌گیرد. سرمایه‌گذاری پوررتفوی خارجی شامل سرمایه‌گذاری‌هایی است که به‌وسیله اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی به‌صورت خرید اوراق بهادار یک مؤسسه و شرکت مالی صورت می‌گیرد و در این نوع سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذار کنترلی بر سرمایه خود نداشته و آن را در اختیار شرکت میزبان قرار می‌دهد. عوامل مؤثر بر جذب این نوع سرمایه‌گذاری بازدهی قطعی، نقدینگی بالا و کوتاه بودن دوره سرمایه‌گذاری است. هرچند تجربه این نوع سرمایه‌گذاری در کشورهای جنوب شرقی آسیا و آمریکای جنوبی نشان‌دهنده آن است که FPI با توجه به فرارایت بالای آن نمی‌تواند تکیه‌گاه مطمئنی برای کشور میزبان باشد (داوودی و شاهمرادی، ۱۳۸۳: ۸۲) و (مهدوی عادل و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۰).

FDI شامل آن دسته از سرمایه‌گذاری‌هایی است که در آن کشور سرمایه‌گذار به‌صورت مستقیم در دارایی‌ها و منابع کشور میزبان سرمایه‌گذاری می‌کند. در این نوع سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذار خارجی به‌طور فیزیکی در کشور میزبان حضور داشته و با قبول مسئولیت‌های مالی به‌طور مستقیم کنترل و اداره واحد را در کشور میزبان به‌دست می‌گیرد. ورود سرمایه‌گذاری خارجی با هدف تأمین سرمایه و تراکم آن در جهت تحقق رشد تولید و توسعه اقتصادی است و مهمترین اهداف اقتصادی و سیاسی ورود سرمایه خارجی عبارت از: رشد سرمایه‌گذاری، اشتغال و صادرات و نیز انتقال

-
1. Foreign Direct Investment (FDI)
 2. World Bank
 3. Foreign Portfolio Investment (FPI)
 4. International Monetary Found (IMF)
 5. Multinational corporations (MNCs)

تکنولوژی، دستیابی به مهارت‌های تازه مدیریتی، برطرف ساختن تنگناهای ارزی، پشتیبانی مالی - اعتباری، افزایش توان چانه‌زنی و ایجاد ثبات زیربنایی می‌باشد (نجارزاده و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۲). از خصوصیات بارز FDI آن است که همراه با انتقال تکنولوژی، تجربیات و مهارت‌های مربوط به مدیریت، بازاریابی و حضور در بازارهای جهانی را با خود به همراه دارد. در صورت عدم بهره‌مندی یک کشور از FDI انتقال دانش و تکنولوژی خارجی یا غیرقابل دسترس بوده و یا با هزینه بسیار بالا همراه خواهد بود (طیبی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۴) و (شاه‌آبادی، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

با توجه به آنکه FDI از عوامل مهم برای حل نمودن مشکل کمبود سرمایه محلی و بهره‌وری پایین در کشورهای درحال توسعه است و منجر به ارتقای مدیریت، انتقال تکنولوژی، افزایش مهارت نیروی کار و نیز افزایش درآمدهای مالیاتی کشور می‌گردد (Pourshahabi et.al, 2011: 72) و نیز در نظر گرفتن این مسئله که اقتصاد ایران علیرغم آنکه دارای سطح بالای جریان ورودی FDI بالقوه است، اما دارای سطح پایینی از جریان ورودی FDI تحقق یافته بوده (هژبر کیانی و ناهیدی، ۱۳۹۰: ۱۹۰)، بنابراین شناسایی عوامل مؤثر بر جلب سرمایه‌گذاران خارجی و جذب سرریزهای دانش از طریق FDI و ارائه راهکارهای سیاستی مناسب برای اقتصاد ایران از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.

روش جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای بوده است و جهت بررسی راهکارهای سیاستی مناسب در جهت گسترش و جذب سرریزهای دانش از طریق FDI برای اقتصاد ایران از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. در این مطالعه به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤالات می‌باشیم: وضعیت FDI ورودی به کشور به چه صورت است؟ عوامل مؤثر بر گسترش FDI ورودی کدام است؟ عوامل مؤثر بر جذب سرریزهای دانش از طریق FDI کدام است؟ راهکارهای سیاستی مناسب برای گسترش ورود FDI به کشور کدام است؟ راهکارهای سیاستی مناسب در جهت برخورداری کشور از سرریزهای دانش ناشی از FDI کدام است؟

۱. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انواع آن

کنفرانس تحقیقات و توسعه سازمان ملل (UNCTAD)،^۱ FDI را سرمایه‌گذاری می‌داند که متضمن روابط اقتصادی بلندمدت بوده و نشان‌دهنده منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم یک کشور (شرکت مادر) بر واحد اقتصادی مقیم کشور دیگر (شعبه فرعی بنگاه مادر) باشد. از دیدگاه صندوق بین‌المللی (IMF)، FDI سرمایه‌گذاری است که با هدف کسب منافع پایدار در کشوری بجز موطن

1. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)



فرد سرمایه‌گذار انجام می‌شود (طیبی و بابکی، ۱۳۸۷: ۴۲ و ۴۳). بانک جهانی (WB) نیز FDI را به معنی داشتن حداقل ۱۰ درصد سهام با حق رأی در یک فعالیت سودآور در خارج از کشور سرمایه‌گذار خارجی می‌داند که می‌تواند به صورت سرمایه‌گذاری جدید، سرمایه‌گذاری مجدد از محل درآمدها و هرگونه قرارداد میان شرکت مادر و بنگاه خارجی مطابق با آنچه در تراز پرداخت‌ها آمده است، صورت گیرد (مهدوی عادل و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۱).

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)^۱، FDI را سرمایه‌گذاری می‌داند که با هدف ایجاد روابط اقتصادی مستمر، اعمال نفوذ مؤثر و مدیریت در موارد زیر صورت می‌گیرد:

۱. ایجاد یک شرکت با مالکیت کامل: تأسیس مؤسسه فرعی، تأسیس شعبه و تملک دارایی کامل یک شرکت موجود،

۲. مشارکت در یک شرکت جدید یا موجود: از نظر سازمان تجارت جهانی (WTO)^۲ نیز FDI زمانی صورت می‌گیرد که سرمایه‌گذار یک کشور مبدأ (کشور مادر) یک دارایی را در کشور دیگر (میزبان) با هدف مدیریت آن به دست می‌آورد (ذوالقدر، ۱۳۸۸: ۹۲).

انواع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انواع مختلفی دارد که با توجه به حوزه‌های آنها عبارتند از:

۱. از نظر مسیر سرمایه‌گذاری

- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سمت داخل (Inflow): که در آن سرمایه خارجی در منابع داخلی سرمایه‌گذاری می‌شود.

- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سمت خارج (Outflow): که در آن سرمایه داخلی در منابع خارجی سرمایه‌گذاری می‌گردد.

۲. از لحاظ اهداف سرمایه‌گذاری

- FDI افقی: زمانی رخ می‌دهد که یک شرکت چندملیتی تولید محصول مشابهی را برای فعالیت در چندین کشور عهده‌دار می‌شود.

- FDI عمودی: زمانی رخ می‌دهد که یک شرکت چندملیتی در یک بنگاه خارجی موقعیتی را بدست می‌آورد که محصول آن شرکت به عنوان نهاده و یا محصول نهایی شرکت چندملیتی به شمار می‌رود. فعالیت‌های بنگاه معمولاً مقدم و یا در امتداد فعالیت‌های شرکت اصلی است.

1. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

2. World Trade Organization (WTO)

۳. از نظر انگیزه‌های سرمایه‌گذاری

- جستجوی منابع،
- بازاریابی،
- در جهت کسب کارآیی،
- در راستای کسب دارایی‌های استراتژیک.

از نظر کنفرانس تحقیقات و توسعه سازمان ملل (UNCTAD) در صورتی که سرمایه‌گذار خارجی حداقل ۱۰ درصد سهم بنگاه را در اختیار داشته باشد، به‌طور قراردادی به آن FDI اطلاق می‌شود، اما نکته‌ای که باید به آن توجه نمود آن است که FDI لزوماً مبتنی بر انتقال دارایی مالی سرمایه‌گذار به کشور میزبان نمی‌باشد و کل سرمایه‌گذاری می‌تواند با منابع مالی کشور میزبان تأمین مالی گردد (داوودی و شاهمرادی، ۱۳۸۳: ۸۴). با توجه به آنکه FDI همراه با نفوذ در مدیریت بنگاه می‌باشد و سرمایه‌گذار به دنبال منافع پایدار و اعمال قدرت است، بنابراین انتظار بر آن است که FDI از لحاظ دید سرمایه‌گذار نسبت به سایر انواع FDI از لحاظ دوره سرمایه‌گذاری طولانی‌تر باشد.

نظریه‌های اقتصاد خرد مبتنی بر سازمان صنعتی معتقدند که بنگاه‌های چندملیتی (MNCs) به دلیل مزیت‌های هزینه‌ای، صرفه‌های مقیاس، صرفه‌های چند کارخانه‌ای و فناوری پیشرفته، روش‌های بازاریابی و توزیع کارآمد اقدام به سرمایه‌گذاری مستقیم در کشور میزبان می‌نمایند. از نظر این بنگاه‌ها توسعه مستقیم در یک کشور خارجی نسبت به تجارت داخلی ارزان‌تر است و علاوه بر آن روی محدودیت‌های مقرراتی شامل تعرفه‌ها و سهمیه‌ها تمرکز دارد که متناسب با آزادسازی تجاری کشور میزبان زمینه گسترش FDI نیز فراهم می‌گردد (عاقلی کهنه‌شهری، ۱۳۸۴: ۱۹۹). در این نظریه‌ها بیان می‌شود که شرکت خارجی با سه مشکل: هزینه‌های عدم مزیت اطلاعاتی شرکت‌های خارجی در مقابل رقبای داخلی که منجر به نااطمینانی می‌گردد، تبعیضات ملی‌گرایانه مانند حمایت دولت از شرکت‌های داخلی یا وفاداری مصرف‌کنندگان کشور میزبان به تولیدات داخل کشور و نیز ریسک نرخ تبدیل ارز یعنی توان پرداخت سود سهامداران شرکت خارجی به پول رایج در کشور متبوع سرمایه‌گذار روبرو می‌باشد (ذوالقدر، ۱۳۸۸: ۹۴).

از نظر ورنون^۱ (۱۹۶۰) FDI نتیجه چرخه تولید است. به این صورت که ابتدا هر کالایی در کشور ابداع‌کننده کالا تولید می‌شود و پس از عرضه در بازار داخلی به بازارهای خارجی صادر می‌شود. به مرور زمان و افزایش حجم صادرات به کشور خارجی، تولید محصول در کشور فوق



به جای صادر نمودن آن مقرون به صرفه اقتصادی می‌شود، زیرا از این طریق هزینه‌های توزیع کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی کشور ابداع‌کننده امکان ایجاد یک واحد تولیدی را در کشور میزبان بررسی می‌نماید و در صورت مناسب بودن شرایط اقدام به سرمایه‌گذاری خارجی می‌نماید (طیبی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۷). براساس مدل بین‌المللی اوپسال^۱ اختلافات فرهنگی، زبان، سطح آموزش و توسعه اقتصادی میان کشور شرکت مادر و کشور میزبان تأثیر عمده‌ای در تصمیم شرکت‌ها به سرمایه‌گذاری در خارج دارد که از آن به‌عنوان مسئله فاصله روانی یاد می‌کنند. بنابراین، سرمایه‌گذاران خارجی اولویت خود را بر کشورهای قرار می‌دهند که دارای فاصله روانی کمتری با آن کشور هستند، البته جریان اطلاعات می‌تواند اهمیت مسئله فاصله روانی را کاهش دهد (ذوالقدر، ۱۳۸۸: ۹۸).

تئوری دانینگ^۲ در رابطه با FDI بیانگر آن است که برای آنکه بنگاه خارجی اقدام به FDI نماید، باید از مزیت مالکیتی، مزیت درونی‌سازی و مزیت مکانی برخوردار باشد. مزیت مالکیتی بیانگر آن است که بنگاه باید در دارایی‌های غیرمشهود (مثلاً فناوری اختصاصی) مزیت داشته باشد که شامل عناصری مانند: حق فناوری مخصوص، قدرت انحصاری، توانایی دسترسی به مواد خام و دارایی‌های ارزان و یا قدرت چانه‌زنی با مقامات دولتی کشور میزبان می‌باشد. مزیت درونی‌سازی نیز بیانگر آن است که بهره‌مندی از مزیت‌های بنگاه باید با صرفه‌تر از فروش یا اعطای آنها باشد. براساس مزیت مکانی برای بنگاه باید با صرفه‌تر باشد که با ترکیبی از عوامل تولید در کشور میزبان اقدام به تولید نماید که شامل عناصری مانند: بازار بزرگ، هزینه‌های پایین‌تر منابع و یا زیرساخت‌های مناسب را شامل می‌شود. همچنین جهت انجام سرمایه‌گذاری خارجی توسط بنگاه مجموع مزیت‌های فوق از مجموع هزینه‌های سرمایه‌گذاری در خارج (مانند هزینه ارتباطات و اطلاعات) باید بالاتر باشد (طیبی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۸ و رضایی، ۱۳۸۶: ۸۹).

تقریباً تمامی جریان‌های FDI در دنیا از طریق شرکت‌های چندملیتی (MNCs) صورت می‌گیرد که عمدتاً با هدف کاستن هزینه‌های عملیاتی، دستیابی به سود انحصاری، بهره‌مندی از فناوری برتر و با استفاده از نوآوری سازمانی مدیریت می‌شوند. FDI از طریق شرکت‌های چندملیتی (MNCs) به سه شکل افقی، عمودی و توأم صورت می‌پذیرد. FDI افقی با گسترش افقی شرکت‌های چندملیتی همراه است و کالاهای مشابه با تولیدات داخلی در کشور میزبان تولید می‌شود. FDI عمودی با هدف دسترسی به مواد خام یا اولیه ارزان و یا نزدیک شدن به بازارهای هدف صورت می‌گیرد. FDI توأم نیز شامل هر دو نوع گسترش افقی و عمودی است (داوودی و

1. Uppsala
2. Dunning

شاهمرادی، ۱۳۸۳: ۸۸). هلیمن^۱ (۱۹۸۴) بحث می‌نماید که اگر FDI به‌عنوان جایگزین برای صادرات و تجارت باشد، با کاهش یافتن محدودیت‌های تجاری که از طریق جهانی شدن و یکپارچگی‌های اقتصادی صورت می‌گیرد FDI نیز کاهش می‌یابد که چنین حالتی در شرایط FDI افقی قابل مشاهده است. اگر FDI به‌عنوان مکمل صادرات و تجارت باشد، در این وضعیت یکپارچگی اقتصادی منجر به افزایش FDI خواهد گردید که این حالت در شرایط FDI عمودی رخ می‌دهد. بنابراین ارتباط بین یکپارچگی اقتصادی و FDI به نوع FDI بستگی خواهد داشت (طیبی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۹). اثر FDI بر تجارت در کشورهای دارای اقتصاد تجارت‌محور بیشتر می‌باشد و در این نوع کشورها FDI از طریق افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید، ایجاد نوع‌آوری، همراه آوردن تکنولوژی مدرن منجر به بهبود توان صادراتی بنگاه‌های داخلی می‌شود (Pourshahabi et.al, 2013: 130).

FDI در صورتی که با در نظر گرفتن حقوق طرفین صورت گیرد و منافع ملی کشورها را مد نظر قرار دهد، می‌تواند منجر به انتقال فناوری و تکنیک‌های جدید تولید، ایجاد اشتغال و گسترش منابع مالی و بین‌المللی شده و دسترسی به بازارهای جهانی را تسهیل نماید، اما اگر کنترل انحصاری بر فناوری تولید از طرف شرکت‌های چندملیتی (MNCs) وجود داشته باشد، این نوع سرمایه‌گذاری موجب ایجاد و تداوم وابستگی کشور میزبان به شرکت‌های چندملیتی (MNCs) می‌گردد که با استفاده از فنون سرمایه‌بر و کسب امتیازات قابل توجه سیاسی و اقتصادی از دولت‌های میزبان (مانند: حمایت‌های سیاسی و تخفیف‌های مالیاتی) همراه است (عاقلی کهنه شهری، ۱۳۸۴: ۱۹۲). یکی از مهم‌ترین دلایل وجود FDI نواقص بازار در امر خرید و فروش تکنولوژی است، زیرا اگر امکان خریداری تکنولوژی توسط کشور میزبان وجود می‌داشت FDI صورت نمی‌گرفت. اما شرکت‌های مادر حاضر به فروش تکنولوژی خود نیستند، زیرا از سویی نگران افشا شدن نوآوری خود هستند و از سویی دیگر چون مدیریت و تکنولوژی همواره مکمل یکدیگر هستند، بنابراین نمی‌توان تکنولوژی را به کشوری واگذار نمود که کارآیی مدیریتی در آنجا ضعیف است (نصایبان، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

نکات مثبت FDI عبارتند از: جذب سرمایه، افزایش موجودی ارز و صرفه‌جویی اعتباری، نوسازی صنایع، افزایش مهارت مدیریتی، افزایش اشتغال، نوآوری تولیدی، افزایش بازدهی سرمایه و نیروی کار، افزایش بهره‌وری، افزایش دستمزد واقعی کار در قبال کاهش قیمت تولیدات کیفی، افزایش درآمدهای مالیاتی دولت، ایجاد دانش فنی تازه، تحرک بخش‌های اقتصادی - اجتماعی، بهبود



تراز پرداخت‌ها، افزایش قدرت رقابت و ... نکات منفی FDI نیز عبارتند از: دادن امتیازات خاص به کشور صادرکننده سرمایه، ایجاد ساختار بازار انحصاری در بلندمدت، از بین رفتن صنایع با مقیاس تولید کوچک، افزایش بیکاری، ایجاد کسری در تراز پرداخت‌ها، ایجاد هزینه اخذ برای میزبان سرمایه، توزیع نامتعادل درآمدها و رقابت با پروژه‌های سرمایه‌گذاری ملی، خروج سرمایه‌های داخلی، انحطاط صنایع داخلی و تأثیرپذیری از اقتصاد صادرکننده سرمایه و ... (نجارزاده و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۳) و (شاه‌آبادی و محمودی، ۱۳۸۵: ۹۱).

در کل می‌توان بیان نمود که FDI اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد و از طریق روش‌های مختلفی رشد اقتصادی را تحریک می‌نماید. FDI از طریق سرریز دانش و انباشت سرمایه، نقش اساسی در رشد اقتصادی بازی می‌کند. FDI انباشت دانش موجود را از طریق انتقال تکنولوژی پیشرفته به کشور میزبان بهبود بخشیده و با انتقال مهارت به نیروی کار و انتقال مهارت مدیریتی موجبات رشد اقتصادی بالاتر را فراهم می‌نماید. همچنین منجر به برانگیختن رقابت در اقتصاد داخلی کشور میزبان می‌گردد که شرکت‌های داخلی را مجبور می‌نماید تا کارآیی و بهره‌وری خود را بالا ببرند و اقدام به ابداع نموده یا تکنولوژی‌های جدید را وارد نمایند. بنابراین، FDI به‌عنوان مهم‌ترین کانال انتشار تکنولوژی‌های مدرن از طریق انباشت سرمایه در کشور میزبان، استفاده از تکنولوژی پیشرفته را تحریک می‌نماید. در نتیجه FDI همراه با آثار سرریز می‌تواند اقتصاد را از طریق جبران نمودن بازده نزولی سرمایه در مسیر رشد بلندمدت نگاه دارد (شاه‌آبادی و نیلفروشان، ۱۳۹۱: ۳۴)، (امینی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۸) و (Pourshahabi et.al, 2011: 72).

۲. روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران

از آغاز تا ۱۳۳۵

تا سال ۱۳۱۰ دولت‌های روس و انگلیس با استفاده از ضعف دولت داخلی ایران از طریق دریافت امتیازهای انحصاری و بستن قراردادهای یک‌طرفه با سرمایه‌گذاری در امکانات و منابع طبیعی کشور سود آنها را برای خود بهره‌برداری می‌نمودند. در این دوره مقررات خاصی برای انجام سرمایه‌گذاری خارجی در ایران وجود نداشته است و اکثر سرمایه‌گذاری‌ها در این دوره در صنعت نفت بوده است. در واقع اکثر قراردادها به‌صورت اعطای امتیازات بود کشورهای روسیه و انگلیس از جمله سرمایه‌گذاران عمده بودند. از سال ۱۳۱۰ (همزمان با تصویب قانون ثبت کشور) و سال ۱۳۱۱ (تصویب قانون تجارت) نوع دیگری از سرمایه‌گذاری خارجی به‌صورت خصوصی در کشور آغاز شد بعد از سال ۱۳۳۰ (ملی شدن صنعت نفت) تا سال ۱۳۳۴ شرکت‌های خارجی به خاطر

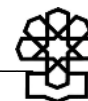
ترس از ملی شدن از به ثبت رساندن شرکت‌های خود امتناع ورزیدند. از این‌رو در اواخر سال ۱۳۳۴ قانون جلب حمایت از سرمایه‌های خارجی جهت تشویق و ایجاد ضمانت برای سرمایه‌گذاران خارجی به ثبت رسید.

دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷

در طی این دوره با تصویب قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی در سال ۱۳۳۴ که به‌موجب آن برگشت اصل و منافع حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی از سوی دولت تضمین گردید و نیز آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۳۵ سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی در ایران شکل گرفت. با تصویب این قانون ضمن تضمین سرمایه‌گذاری خارجی تسهیلات خاصی به سرمایه‌گذاران خارجی تعلق می‌گرفت. آمار و ارقام بیانگر این هستند که در سال‌های اجرایی برنامه دوم قبل از انقلاب سرمایه‌های خارجی قابل توجهی وارد کشور شد که معادل ۲۵ درصد پس‌اندازهای داخلی بود سال‌های آغاز برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۲-۱۳۴۶) مصادف با ادامه رکود ناشی از بحران ۱۳۳۹ در بیشتر فعالیت‌های کشور بود که باعث شد در دو سال اول اجرای این برنامه سرمایه‌های قابل توجهی وارد کشور نشود. سرمایه‌های نقدی و غیرنقدی و وام‌هایی که از طریق مرکز جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی در سال اول برنامه وارد کشور شد فقط ۲۵۷ میلیون ریال بود درحالی که این رقم در سال چهارم برنامه سوم به ۹۵۸ میلیون ریال رسید. در برنامه عمرانی سوم طرح‌های مهمی از جمله تأسیس کارخانه نوب آهن، کارخانه تهیه ابزار ماشین، کارخانه تراکتورسازی تولید آلومینیم و کارخانه پتروشیمی از طریق جلب و مشارکت سرمایه‌های خارجی اجرا شد. در مجموع طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۵۷ و ۲۷۶ مورد سرمایه‌گذاری به‌منظور انتقال تکنولوژی به کشور انجام شد.

دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۲

با پیروزی انقلاب ایران و تحولات گسترده کشور از نظر قانونی، سیاسی و اجتماعی، جریان FDI و استفاده از اعتبارات خارجی در کشور تحت تأثیر قرار گرفت، زیرا مشخص نبودن سیاست‌ها و قوانین، ملی شدن بانک‌ها، ناآرامی‌های داخلی، جنگ تحمیلی و قوانین محدودکننده در رابطه تجارت، نقل و انتقال ارز و مالکیت خصوصی و ... منجر به عدم امنیت سرمایه در کشور شد و فرار سرمایه‌های خارجی از کشور را به‌دنبال داشت. براساس تحولات صورت گرفته FDI در سال ۱۳۶۰ به ۲ میلیارد ریال رسید، درحالی که این رقم در سال ۱۳۵۸، ۴ میلیارد ریال بوده است. در



طی این دوره تبصره «۲۹» برنامه اول توسعه اولین قدم در راه جذب سرمایه‌های خارجی بود.

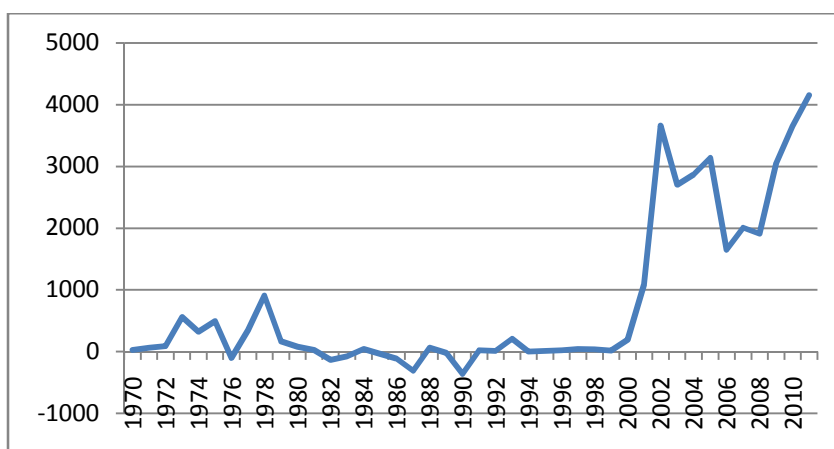
دوره ۱۳۷۲ و بعد از آن

در طی این دوره تبصره «۲۲» قانون برنامه دوم توسعه و تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ارائه راهکارهای قانونی و تسهیلات و حمایت‌های حقوقی نقش مهمی در پذیرش سرمایه‌گذاران خارجی بازی نمود و منجر به تغییرات قابل توجهی در جریان FDI در کشور شد. در برنامه سوم توسعه نیز ماده (۸۵) به دولت اجازه داد نسبت به اخذ یا تضمین تسهیلات مالی خارجی اقدام نماید. همچنین جریان FDI پس از تصویب قانون جدید حمایت و گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سال ۱۳۸۱ افزایش چشمگیری یافت. تعیین‌کننده‌های جذب FDI در ایران مندرج در قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی و آیین‌نامه اجرایی آن عبارتند از: عدم تبعیض سرمایه‌گذار خارجی با سرمایه‌گذاران داخلی و سایر سرمایه‌گذاران، تضمین و عدم سلب مالکیت و ملی کردن سرمایه خارجی، انتقال سود و سرمایه، تأمین ارز و تسهیل و تسریع سرمایه‌گذاری خارجی (رضایی، ۱۳۸۶: ۹۳) و (هژبر کیانی و ناهیدی، ۱۳۹۰: ۲۰۰).

در ادامه روند تحولات FDI در کشور طی سال‌های ۱۹۷۰ الی ۲۰۱۱ به صورت آماری نشان داده شده است. همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود طی سال‌های ۱۹۷۰ الی ۲۰۰۰ سطح FDI ورودی به اقتصاد ایران پایین بوده است و از سال ۲۰۰۰ به بعد شاهد افزایش چشمگیر سطح FDI در ایران بوده‌ایم. در سال ۱۹۷۰ میزان FDI ورودی ۲۸ میلیون دلار بوده است که این میزان در سال ۲۰۰۰ به حدود ۱۹۳ میلیون دلار افزایش یافته است. همچنین در سال ۲۰۰۲ این میزان به حدود ۳,۵۶۷ میلیون دلار رسید و در سال ۲۰۱۱ اقتصاد ایران شاهد بیشترین میزان FDI ورودی معادل ۴,۱۵۰ میلیون دلار بوده است.

نمودار ۱. FDI ورودی ایران بر حسب قیمت‌ها و نرخ ارز جاری

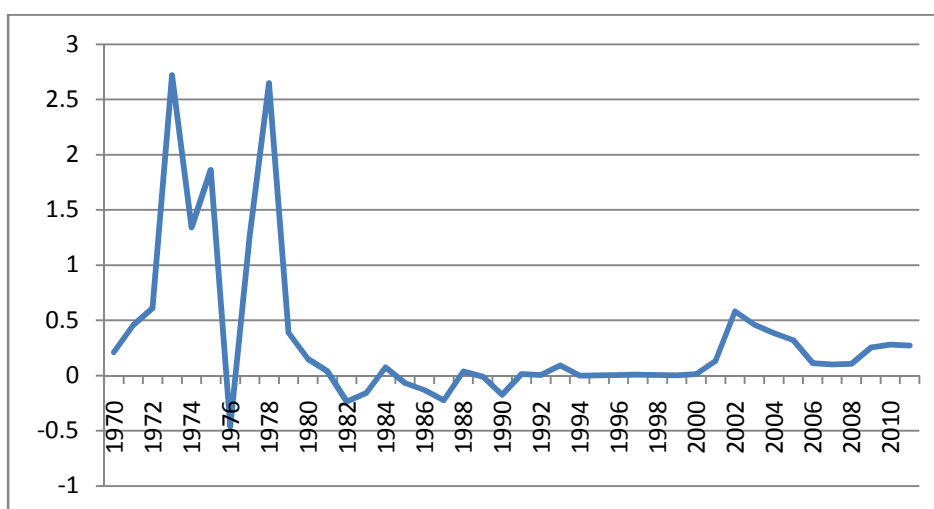
طی سال‌های ۱۹۷۰ - ۲۰۱۱ (میلیون دلار)



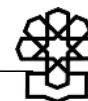
مأخذ: کنفرانس تحقیقات و توسعه سازمان ملل (UNCTAD).

همان‌طور که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود، درصد FDI ورودی به اقتصاد ایران از کل جهان تا سال ۱۹۸۰ دارای نوسان شدید بوده است. دلیل این موضوع بحران‌های سیاسی درون کشور بوده که شامل وقوع انقلاب و وقوع جنگ تحمیلی در کشور می‌باشد که منجر به خروج سرمایه خارجی از کشور و در نتیجه منفی شدن نسبت فوق در طی سال‌های مذکور شده است. نسبت فوق از ۲۱ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۲۷ درصد در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، رشد FDI ورودی کشور در طی سال‌های ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۲ منجر به بهبود وضعیت نسبت FDI ورودی از کل FDI جهانی شده است.

نمودار ۲. نسبت FDI ورودی ایران از کل جهان طی سال‌های ۱۹۷۰ - ۲۰۱۱ (درصد)

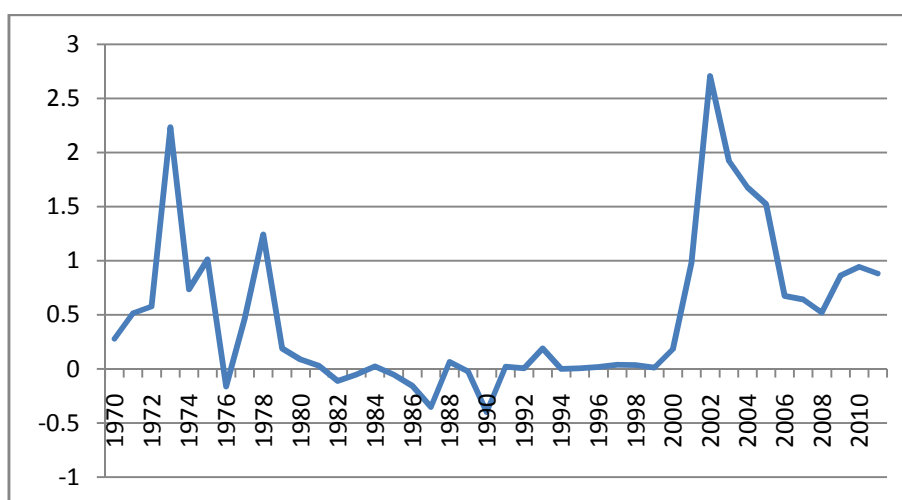


مأخذ: همان.



نمودار ۳ نشان‌دهنده روند نسبت FDI ورودی به کشور از تولید ناخالص داخلی کشور است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نسبت فوق در سال ۲۰۰۰ همراه با افزایش شدید FDI ورودی به کشور افزایش یافته است و در سال ۲۰۰۲ به بالاترین میزان خود یعنی حدود ۱۹ درصد افزایش یافته است. نسبت فوق در سال ۱۹۷۰ برابر حدود ۰/۲۷ درصد بوده که این نسبت در سال ۲۰۱۱ به ۰/۸۸ درصد رسیده است. آمار مربوط به نمودارهای فوق و نیز نسبت‌های FDI به کل تجارت کالای ایران و تشکیل سرمایه ثابت ایران در جدول زیر برای دوره زمانی ۱۹۷۰ الی ۲۰۱۱ ارائه شده است.

نمودار ۳. نسبت FDI ایران از تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۹۷۰ - ۲۰۱۱ (درصد)



مأخذ: همان.

جدول وضعیت FDI ورودی ایران طی سال‌های ۱۹۷۰ - ۲۰۱۱

سال	درصد از کل تجارت کالای ایران	بر حسب قیمت‌ها و نرخ ارز جاری (میلیون دلار)	درصد از کل FDI دنیا	درصد از تولید ناخالص داخلی ایران	درصد از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ایران
۱۹۷۰	۱/۱۶۵۲۱	۲۸	۰/۲۰۹۸۰۷	۰/۲۷۹۱۰۳	۰/۷۷۷۵۴
۱۹۷۱	۱/۷۰۵۰۲۱	۶۵/۲	۰/۴۵۶۵۱۷	۰/۵۱۶۲۰۳	۱/۵۱۰۱۵۱
۱۹۷۲	۲/۲۵۶۸۶۷	۹۱/۲	۰/۶۱۰۷۳۹	۰/۵۷۷۷۵۹	۱/۶۱۳۲۰۴
۱۹۷۳	۹/۰۴۶۲۳۸	۵۶۱/۵	۲/۷۱۹۶۶	۲/۲۳۴۱۴۱	۶/۸۳۳۰۶۴
۱۹۷۴	۱/۵۰۱۷۸۷	۳۲۳/۵	۱/۳۴۰۸۴۶	۰/۷۳۸۶۰۵	۲/۷۵۳۵۴۳
۱۹۷۵	۲/۴۴۹۸۲۹	۴۹۴/۴	۱/۸۶۰۹۵۵	۱/۰۱۱۶۷۶	۲/۴۰۶۴۳۶
۱۹۷۶	-۰/۴۳۱۵۴	-۱۰۱/۵۹	-۰/۴۶۱۷۲	-۰/۱۶۰۲۵	-۰/۳۲۶۸۴
۱۹۷۷	۱/۴۳۵۸۲۸	۳۴۵/۶۹	۱/۲۷۳۷۵۴	۰/۴۶۴۹۴۹	۰/۹۳۳۴۸۸
۱۹۷۸	۴/۰۴۴۵۸۱	۹۰۹/۰۶	۲/۶۴۵۸۳۸	۱/۲۴۱۵۱۵	۲/۷۹۲۶۹۱
۱۹۷۹	۰/۸۲۹۷۵۷	۱۶۴/۳۵	۰/۳۸۸۶۰۸	۰/۱۹۲۰۵	۰/۶۷۱۳۳۳
۱۹۸۰	۰/۶۵۶۳۱۱	۸۰/۹۱	۰/۱۴۹۶۱۶	۰/۰۸۸۰۱۴	۰/۲۷۰۲۹۸
۱۹۸۱	۰/۲۳۸۷۲۸	۲۸/۲۲	۰/۰۴۰۵۶۳	۰/۰۲۸۱۹۶	۰/۰۹۸۶۸۷

سال	درصد از کل تجارت کالای ایران	بر حسب قیمت‌ها و نرخ ارز جاری (میلیون دلار)	درصد از کل FDI دنیا	درصد از تولید ناخالص داخلی ایران	درصد از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ایران
۱۹۸۲	-۰/۶۶۵۴۱	-۱۳۶/۰۹	-۰/۲۳۴۴	-۰/۱۱۰۲۸	-۰/۴۲۱۳۷
۱۹۸۳	-۰/۳۶۵۰۹	-۷۸/۵۲	-۰/۱۵۶۲	-۰/۰۵۱۷۹	-۰/۱۶۱۱۸
۱۹۸۴	۰/۲۴۹۸۳۹	۴۲/۶۹	۰/۰۷۵۱۰۷	۰/۰۲۶۵۲۴	۰/۰۸۴۶۸۸
۱۹۸۵	-۰/۲۶۹۱۴	-۳۸/۱۵	-۰/۰۶۸۲۹	-۰/۰۵۱۱۹	-۰/۱۹۵۴۵
۱۹۸۶	-۱/۵۶۷۹۸	-۱۱۲/۴۴	-۰/۱۳۰۱۷	-۰/۱۵۳۹	-۰/۶۶۸۶۲
۱۹۸۷	-۲/۵۸۱۶۵	-۳۰۷/۶۳	-۰/۲۲۵۱۴	-۰/۳۴۸۹۵	-۱/۷۴۶۱۶
۱۹۸۸	۰/۵۶۵۳۱۹	۶۰/۵۴	۰/۰۳۶۹۰۹	۰/۰۶۵۷۱۷	۰/۳۳۰۹۹۲
۱۹۸۹	-۰/۱۴۸۴۶	-۱۹/۴۲	-۰/۰۰۹۸۴	-۰/۰۲۱۳۵	-۰/۱۰۶۷۸
۱۹۹۰	-۱/۸۷۴۹	-۳۶۱/۹۵	-۰/۱۷۴۴۷	-۰/۳۹۷۵۹	-۱/۷۱۷۹۶
۱۹۹۱	۰/۱۲۱۰۵۵	۲۲/۵۹	۰/۰۱۴۶۶۲	۰/۰۲۳۵۵۷	۰/۰۷۲۶۸۴
۱۹۹۲	۰/۰۴۲۷۸۲	۸/۵	۰/۰۰۵۱۲۴	۰/۰۰۸۵۵۵	۰/۰۲۵۹۳۵
۱۹۹۳	۱/۱۴۷۹۵۴	۲۰۷/۵۵	۰/۰۹۲۹۴	۰/۱۹۰۰۳۴	۰/۷۰۸۰۸۸
۱۹۹۴	۰/۰۰۱۵۱۳	۰/۲۹۴	۰/۰۰۰۱۱۵	۰/۰۰۰۲۶۹	۰/۰۰۱۲۴۶
۱۹۹۵	۰/۰۴۷۷۲۹	۸/۷۶۳	۰/۰۰۲۵۵۶	۰/۰۰۷۹۴۴	۰/۰۳۸۸۲۳
۱۹۹۶	۰/۰۹۱۵۱	۲۰/۴۹	۰/۰۰۵۲۴۲	۰/۰۱۷۸۲۱	۰/۰۶۸۴۶۷
۱۹۹۷	۰/۲۳۴۰۰۳	۴۳/۰۱۲	۰/۰۰۸۸۱۷	۰/۰۴۰۰۱۲	۰/۱۴۲۶۶۳
۱۹۹۸	۰/۲۸۶۵۹۹	۳۷/۵۹۶	۰/۰۰۵۳۲۳	۰/۰۳۵۷۴۴	۰/۱۲۵۴۱
۱۹۹۹	۰/۰۷۴۲۸	۱۵/۶۲۱	۰/۰۰۱۴۳۱	۰/۰۱۴۲۵۶	۰/۰۵۲۴۴۸
۲۰۰۰	۰/۶۸۲۹۲۵	۱۹۳/۵۷۵	۰/۰۱۳۸۲۱	۰/۱۸۶۱۰۱	۰/۷۲۲۷۷
۲۰۰۱	۴/۵۳۶۷۹۳	۱۰۸۴/۴۷۵	۰/۱۳۱۰۳۶	۰/۹۸۲۲۱۸	۳/۵۵۴۷۹۲
۲۰۰۲	۱۲/۹۷۴۷۶	۳۶۵۷/۰۶۷	۰/۵۸۲۳۵۹	۲/۷۰۶۰۷۲	۹/۵۰۰۸۱۸
۲۰۰۳	۷/۹۳۶۹۹۸	۲۶۹۷/۸۶۵	۰/۴۵۹۶۳۶	۱/۹۲۳۹۴۹	۶/۷۲۳۷۵۶
۲۰۰۴	۶/۴۴۸۶۳۶	۲۸۶۳/۳۸۸	۰/۳۸۴۶۹۴	۱/۶۷۷۷۰۸	۶/۰۲۷۰۲۴
۲۰۰۵	۵/۵۷۴۱۷۵	۳۱۳۵/۵۸۵	۰/۳۱۹۷۲	۱/۵۲۵۱۹۲	۵/۹۱۵۹۳۱
۲۰۰۶	۲/۱۳۸۰۶۷	۱۶۴۶/۵۶۸	۰/۱۱۲۵۲	۰/۶۷۵۷۳۲	۲/۷۷۳۷۸۲
۲۰۰۷	۲/۲۵۹۷	۲۰۰۵/۱	۰/۱۰۱۴۹۶	۰/۶۴۲۳۷	۲/۷۱۴۳۲۳
۲۰۰۸	۱/۶۷۹۶۲۸	۱۹۰۹/۲	۰/۱۰۶۶۱۷	۰/۵۲۱۲۱۹	۱/۹۴۳۸۸
۲۰۰۹	۳/۸۶۰۴۱	۳۰۴۷/۶	۰/۲۵۴۴۲۸	۰/۸۶۴۷۶۴	۳/۷۰۷۱۶۸
۲۰۱۰	۳/۶۱۴۹۶۵	۳۶۴۷/۵	۰/۲۷۸۶۴۸	۰/۹۴۳۳۱	۴/۰۷۳۶۲۱
۲۰۱۱	۳/۱۶۷۹۳۹	۴۱۵۰	۰/۲۷۲۲۳۴	۰/۸۸۲۲۴۳	//

مأخذ: کنفرانس تحقیقات و توسعه سازمان ملل (UNCTAD).

تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر متغیرهای کلان اقتصادی

سرمایه‌گذاری خارجی به هر علت و شکلی که صورت پذیرد، اثرات قابل ملاحظه‌ای بر روی متغیرهای کلان اقتصادی بر جای می‌گذارد و می‌تواند سیستم‌های اقتصادی را دستخوش تغییرات نماید. جریان ورود سرمایه خارجی می‌تواند اثرات زیر را دربر داشته باشد:



۱. تأثیر در تراز پرداخت‌ها: افزایش جریان ورود سرمایه به کشور باعث عدم تعادل در حساب موازنه پرداخت‌های کشور می‌شود و آن را به سمت مازاد سوق می‌دهد. در این صورت حجم ذخایر افزایش می‌یابد و برخلاف خروج سرمایه، مسائل و مشکلات تعدیل کوتاه‌مدت را برای دولتمردان به همراه می‌آورد که اگر اصلاح فوری در تراز پرداخت‌ها شکل نگیرد، مردم با پیش‌بینی افزایش تورم و نرخ ارز و نرخ بهره و در جهت مخالف جریان بهبود شرایط اقتصادی حرکت خواهند کرد.
۲. افزایش رشد اقتصادی: ورود سرمایه باعث کاهش قیمت سرمایه (عامل کمیاب تولید در کشورهای درحال توسعه) و هزینه‌های تأمین مالی سرمایه‌گذاری شده و امکان کسب سود را افزایش می‌دهد. بنابراین تولید افزایش می‌یابد و موجب رشد اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی می‌گردد. همچنین افزایش نرخ رشد اقتصادی باعث کاهش خروج سرمایه می‌شود.
۳. افزایش درآمد مالیاتی دولت: ورود سرمایه به میزان ثروت و بالطبع به میزان درآمدهای ناشی از ثروت می‌افزاید، بنابراین، حجم مالیات‌های دریافتی توسط دولت افزایش می‌یابد.
۴. کاهش بدهی دولت: افزایش درآمد به واسطه افزایش مالیات باعث کاهش کسری بودجه دولت می‌شود.
۵. بهبود توزیع درآمد: ورود سرمایه باعث بهتر شدن توزیع درآمد می‌شود زیرا تورم داخلی را کاهش و به ارزش واقعی ثروت و درآمد می‌افزاید.
۶. انتقال تکنولوژی: انتقال تکنولوژی روز به کشور در اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند نقش مهمی در رشد اقتصادی ایفا نماید.
۷. افزایش اشتغال: با ورود سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت جهت ایجاد و راه‌اندازی کارخانجات مختلف، جذب نیرو و سطح اشتغال افزایش می‌یابد.
۸. توسعه صادرات و کاهش واردات: با افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و راه‌اندازی کارخانجات مختلف حجم تولیدات افزایش یافته و ضمن اینکه نیاز کشور به واردات آن کالاهای خاص مرتفع می‌شود می‌توان مازاد تولید را نیز به کشورهای دیگر صادر نمود. شرکت‌های سرمایه‌گذار می‌توانند دسترسی به بازارهای صادراتی را برای کالاها و برخی از خدمات که هم‌اکنون در کشور میزبان تولید می‌شود، به‌وجود آورده و به آنان کمک کنند که از بازارهای داخلی به بازارهای بین‌المللی وارد شوند.

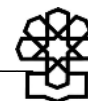
۳. عوامل مؤثر بر گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

آزادسازی FDI یکی از عوامل بسیار مهم در جذب سرمایه‌های خارجی توسط یک کشور به شمار می‌رود. به این دلیل که اگر اجازه ورود به سرمایه‌های یک سرمایه‌گذار خارجی در قالب FDI داده نشود، نمی‌توان انتظار ورود این‌گونه سرمایه‌ها را به کشور داشت. در این راستا سیاست‌های باز اقتصادی به‌عنوان مشوق FDI به‌کار برده می‌شوند. از طرف دیگر نیز سیاست‌های محدودسازی شرکت‌های وابسته خارجی می‌تواند به‌طور مؤثر درهای کشور را بر ورود FDI ببندد (رضایی، ۱۳۸۶: ۹۰) و (داوودی و شاهمرادی، ۱۳۸۳: ۹۷).

فاصله کشور میزبان از کشورهای مبدأ FDI نیز از جمله عوامل مهم تأثیرگذار بر جریان FDI می‌باشد. اما در حال حاضر پیشرفت ارتباطات و تکنولوژی منجر به آن شده است که این عامل اهمیت خود را از دست بدهد (شاه‌آبادی و محمودی، ۱۳۸۵: ۹۸). بنابراین کشورهایایی که از نظر جغرافیایی با کشورهای صادرکننده سرمایه یا همان کشور مبدأ سرمایه‌گذاران خارجی فاصله زیادی دارند، باید با سرمایه‌گذاری در ارتباطات و تکنولوژی مورد نیاز زمینه جذب سرمایه‌های خارجی را فراهم نمایند تا عدم مزیت ناشی از فاصله کشور خود را از کشور مبدأ پوشش دهند.

فرضیه تفاوت نرخ‌های بازده که یکی از اولین نظریه‌ها در زمینه FDI است، بیانگر آن است که تفاوت بازدهی سرمایه میان کشورها موجب گردش سرمایه در سطح بین‌المللی می‌شود (داوودی و شاهمرادی، ۱۳۸۳: ۸۹). نسبت سودهای متفاوت در کشورها می‌تواند انگیزه FDI درون‌منطقه‌ای را افزایش دهد و در مقابل یکپارچگی بازارهای مالی منجر به همگرایی نرخ بهره می‌شود و سرمایه‌گذاری‌های مالی را محدود می‌نماید (طیبی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۱۴). طبق نظریه فوق سرمایه از کشورهایی که دارای بازدهی کمتری هستند به کشورهایی که دارای نرخ بازدهی بالاتری هستند انتقال می‌یابند که در نتیجه آن بازدهی سرمایه در کشور واردکننده سرمایه کاهش یافته و بالعکس بازدهی سرمایه در کشور صادرکننده سرمایه افزایش یافته و نرخ‌های بازدهی کشورهای مختلف در نتیجه آن یکسان می‌شود. براساس تئوری پورترفوی در یک اقتصاد دارای ریسک، بازده سرمایه‌گذاری باید به‌طور منطقی جهت ورود FDI بالا باشد (شاه‌آبادی و محمودی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

جهانی شدن اقتصاد و از بین رفتن مرزهای ملی و یکپارچگی تدریجی اقتصادها در اقتصاد بین‌الملل با گسترش تجارت و FDI همراه است. بنابراین اقتصاد کشورها با تجارت‌های آزادتر و ارتباطات سرمایه‌گذاری با شرکای تجاری از نظر جغرافیایی، به‌ویژه شرکای منطقه‌ای روبرو است که این موضوع می‌تواند از طریق افزایش جریان تجاری و یکپارچگی اقتصادی افزایش FDI را نیز



به‌دنبال داشته باشد (طیبی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۹ و ۱۱۸). آزادسازی اقتصادی در واقع حرکت نمودن در جهت رقابت‌پذیری و ادغام در اقتصاد جهانی است. بنابراین نقش دولت‌ها در گسترش رقابت در سطح جهانی رو به افزایش بوده و از آزادسازی اقتصادی و حذف موانع فراروی رقابت به‌عنوان وسیله‌ای در جهت دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی مطلوب یاد می‌شود (نجارزاده و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۷ و ۷۸). در این زمینه سهم یارانه‌ها و حمایت‌های دولت اثر منفی بر FDI کشورها دارد زیرا این موضوع نشان‌دهنده ضعف اقتصاد بازار در کشور است (مزینی و مرادحاصل، ۱۳۸۹: ۳۱).

حکمرانی خوب به‌عنوان یک پیش‌شرط اساسی برای عملکرد خوب بازارها و ایجاد شرایط جذاب سرمایه‌گذاری مطرح است (مهرآرا و اسدیان، ۱۳۸۸: ۴). وضعیت خوب شاخص حکمرانی نشان‌دهنده پایین بودن مخاطره سیاسی است و این امر منجر به افزایش قابلیت یک کشور در جذب FDI می‌گردد (رضایی، ۱۳۸۶: ۸۶). مخاطره سیاسی شامل اجزای: ثبات دولت، شرایط اجتماعی - اقتصادی، وضعیت سرمایه‌گذاری، مناقشات درونی، مناقشات بیرونی، قانون و نظم، تنش‌های قومی، حساب پاسخگویی دمکراتیک و کیفیت دیوان‌سالارانه می‌باشد. همچنین شامل جنگ، حوادث ناشی از قدرت خارجی، آشوب، بی‌نظمی، گرایش مصرف‌کنندگان در کشور میزبان، تغییر در قوانین و مقررات FDI، انسداد انتقال وجوه، عدم تبدیل‌پذیری پول رایج و ورشکستگی نیز می‌شود (رضایی، ۱۳۸۶: ۹۷ و ۹۸). ایران از نظر شاخص‌های حکمرانی خوب به‌عنوان نماینده مخاطرات سیاسی وضعیت خوبی نداشته و این موضوع هزینه‌های معاملاتی ناشی از عدم اطمینان FDI را در کشور افزایش می‌دهد (رضایی، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

بهره‌وری نیروی کار و سطح دستمزد از عوامل مؤثر بر FDI در کشورها به‌شمار می‌رود. مقایسه نرخ دستمزد متوسط پرداختی ماهیانه به نیروی کار نشان‌دهنده آن است که میزان دستمزد نیروی کار در کشورهای درحال توسعه به‌طور قابل توجهی کمتر از کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد و این امر نشانگر مزیت نیروی کار ارزان از دیدگاه شرکت‌های چندملیتی (MNCs) است. اما با توجه به آنکه ماهیت فعالیت شرکت‌های چندملیتی (MNCs) مبتنی بر تکنولوژی پیشرفته و سرمایه‌بر می‌باشد، بنابراین این شرکت‌ها به‌دنبال نیروی کار ماهر ارزان می‌باشند و از این جهت کشورهای شرق آسیا مورد توجه سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی قرار گرفته است (داوودی و شاهمرادی، ۱۳۸۳: ۹۴ و ۹۵). لوکاس^۱ (۱۹۹۰) نیز بیان می‌نماید که کمبود نیروی انسانی ماهر در کشورهای کمتر توسعه‌یافته سبب عدم تشویق سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود (قنبری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۲). سرمایه انسانی یا درصد کارکنان دارای تحصیلات عالی در کشور نیز از

شاخص‌های مورد توجه سرمایه‌گذاران خارجی است، زیرا این عامل به‌عنوان مزیت محلی برای کشور میزبان به حساب می‌رود. سرمایه انسانی بالا توانایی زیادی برای انجام کارهای خیلی پیچیده داشته و به آسانی خود را با وظایف جدید وفق می‌دهد. همچنین آموزش مناسب نیروی کار توانایی یک کشور را در جذب تکنولوژی جدید افزایش می‌دهد (شاه‌آبادی و محمودی، ۱۳۸۵: ۱۰۵). حتی با وجود محیط اقتصادی مساعد، فساد و بوروکراسی می‌توانند موانعی بر سر راه سرمایه‌گذاران خارجی در یک کشور باشند. فساد ضمن افزایش هزینه فعالیت تجاری، فرآیند گرفتن مجوزهای تجاری لازم برای عملیات در اقتصاد کشور میزبان را افزایش می‌دهد (شاه‌آبادی و محمودی، ۱۳۸۵: ۱۰۴). بنابراین افزایش فساد در یک کشور با حجم کمتر FDI ورودی همراه بوده و به‌طور متوسط سرمایه‌گذاران با کیفیت پایین‌تر را جلب می‌نماید. انتظار بر آن است که بنگاه‌های حامل FDI به احتمال بیشتری نسبت به همتایان داخلی خود درگیر اشکال فساد نفوذ سیاسی گردند. در مقابل نیز در کشورهای که از دام تسخیر دولت اجتناب نموده‌اند، بنگاه‌های حامل FDI با احتمال کمتری نسبت به همتایان داخلی خود درگیر اشکال فساد نفوذ سیاسی شده‌اند (رضایی، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

با توجه به آنکه امروزه دانش، فناوری و اندیشه از اهمیت روزافزونی در تولید محصولات برخوردار است، حق مالکیت معنوی و سطح حمایت یک کشور از حقوق ثبت، علائم تجاری، کپی‌رایت و حقوق معنوی تأثیر مهمی بر ورود سرمایه‌گذاران خارجی در کشور دارد و در صورت ضعف سیستم نظام مالکیت معنوی، کشور میزبان دائمی برای جریان سرمایه‌گذاری خارجی نخواهد بود. در اقتصاد نوین بنگاه‌ها بر پایه نوآوری و ابداع ایجاد شده و به فعالیت خود ادامه می‌دهند و بدون برخورداری از حمایت‌های دولتی در زمینه حقوق مالکیت معنوی انگیزه کافی برای انجام فعالیت چنین بنگاه‌هایی کاهش می‌یابد (داوودی و شاهمرادی، ۱۳۸۳: ۹۵) و (فطرس و نجارزاده نوش‌آبادی، ۱۳۸۹: ۳۹). امروزه شکاف در نظام مالکیت فکری در بین کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه به‌عنوان دلیل اصلی تفاوت در سطح جریان FDI و جریان بین‌المللی سرمایه به‌شمار می‌رود (مهدوی و برخورداری، ۱۳۸۷: ۱۲ و ۱۳).

از نظر سرمایه‌گذار خارجی نرخ تعرفه هزینه تولید به‌شمار می‌رود و افزایش آن سبب بالا رفتن هزینه‌های مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وارداتی می‌گردد که در نتیجه آن قدرت رقابتی کاهش یافته و انگیزه سرمایه‌گذار خارجی برای سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد (هژبر کیانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۹۷). اگر کشور میزبان استراتژی جان‌شینی واردات را برای توسعه کشور دنبال نماید، انتظار بر آن است که تعرفه‌های بالا با افزایش جریان FDI ورودی همراه باشد، اما اگر استراتژی



توسعه اقتصادی کشور میزبان توسعه صادرات باشد، در این صورت اعمال تعرفه‌های بالا بر واردات با کاهش ورود FDI روبرو می‌شود. زیرا انتظار می‌رود شرکای تجاری کشور مزبور نیز تعرفه‌های خود را متناسب با تعرفه‌های این کشور اعمال نمایند (داوودی و شاهمرادی، ۱۳۸۳: ۹۶). در بلندمدت اهمیت جریان FDI در کشورهایی که استراتژی توسعه صادرات را دنبال می‌نمایند بیشتر است نسبت به کشورهایی که استراتژی جایگزینی واردات را دنبال می‌کنند، زیرا در صورت تحرک آزاد عوامل و تخصیص منابع براساس مزیت نسبی صورت می‌پذیرد (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳) و (امینی و دیگران، ۱۳۸۹، ۶۰).

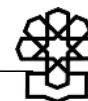
از آنجایی که مالیات بازدهی خالص FDI را کاهش می‌دهد، بنابراین افزایش نرخ داخلی مالیات بر شرکت‌ها خروج FDI را به دنبال خواهد داشت، اما اهمیت اثر تغییر فوق برحسب آنکه منبع نهایی وجوه برای شرکت‌ها تابع سود تقسیم نشده، انتقالات از بنگاه مادر یا وجوه خارجی باشد، متفاوت است (هژبر کیانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۸۴). در رابطه با مالیات‌ها در صورتی که نرخ مالیات در کشور میزبان بالاتر باشد FDI به شدت کاهش می‌یابد و اگر نرخ مالیات در کشور میزبان کمتر باشد، منجر به خروج بخشی از سرمایه از کشور میزبان می‌شود، زیرا تولید در کشور میزبان صورت گرفته و عایدی آن از کشور خارج می‌شود (داوودی و شاهمرادی، ۱۳۸۳: ۹۶). بنابراین معافیت مالیاتی از روش‌های ترویج سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای درحال توسعه به‌شمار می‌رود (درگاهی، ۱۳۸۵: ۶۵).

باز بودن اقتصاد نشان‌دهنده راهبرد برون‌گرایی (استراتژی توسعه صادرات) می‌باشد و درجه پایین باز بودن اقتصاد نشان‌دهنده راهبرد درون‌گرایی (استراتژی جایگزینی واردات) در کشورهاست. هر چه کشورها برون‌گراتر باشند FDI تأثیر بیشتری بر صادرات دارد (طیبی و بابکی، ۱۳۸۷: ۶۶). باز بودن اقتصاد دو اثر متضاد بر FDI دارد. از طرفی منجر به توسعه FDI با هدف صادراتی می‌شود و از طرف دیگر نیز اثر منفی بر FDI با جهت بازاری دارد. زیرا در صورت کوچک بودن درجه باز بودن اقتصاد، شرکت‌ها سعی می‌نمایند که از منابع تولید ارزان کشور مقصد استفاده نموده و از تعرفه‌ها و هزینه‌های انتقال نیز اجتناب نمایند. در نتیجه اقدام به سرمایه‌گذاری با هدف بازار داخلی آن کشور می‌نماید و با باز شدن اقتصاد FDI به سمت هدف صادراتی متمایل می‌شود (شاه‌آبادی و محمودی، ۱۳۸۵: ۱۰۱ و ۱۰۲). در یک اقتصاد باز وارد نمودن مواد خام یا برخی کالاهای سرمایه‌ای ضروری برای سرمایه‌گذاری و نیز صدور کالاهای تمام شده آسان‌تر می‌باشد و در نتیجه باز بودن اقتصادی کشور میزبان اثر مثبت بر سطح FDI دارد (عاقلی کهنه شهری، ۱۴۸۴: ۲۰۰).

نرخ ارز مؤثر نیز که از عوامل مؤثر بر FDI ورودی در یک کشور می‌باشد. آلبر (۱۹۸۱) معتقد است که هر چه پول رایج در کشور مبدأ نسبت به کشور میزبان قوی‌تر باشد، انگیزه برای FDI افزایش می‌یابد، زیرا هزینه سرمایه برای سرمایه‌گذار ارزان تمام می‌شود (طیبی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۱۳). کاهش نرخ ارز واقعی علاوه بر کاهش هزینه تولید و سرمایه‌گذاری با افزایش سودآوری FDI نیز همراه است. از طرف دیگر کاهش نرخ ارز واقعی با افزایش ثروت نسبی بنگاه‌های خارجی همراه است، زیرا راه ورود را برای بنگاه‌هایی که از سود تقسیم نشده جهت تأمین مالی سرمایه‌گذاری در داخل و خارج استفاده می‌کنند، فراهم می‌نماید (عاقلی کهنه شهری، ۱۳۸۴: ۱۹۸ و ۱۹۹). از سوی دیگر با افزایش نرخ ارز و انتظار کاهش ارزش پول رایج داخلی فرار سرمایه از کشور شکل می‌گیرد (افشاری و دیگران، ۱۳۸۸: ۸۲). البته تأثیر تغییرپذیری نرخ ارز بر جریان FDI به مکانی که نهاده‌ها خریداری می‌شوند، مکانی که فرآورده‌ها تولید می‌شوند، مکانی که سرمایه مالی از آن نشئت می‌گیرد و فرآورده‌هایی که فروخته می‌شوند، بستگی دارد.

مقیاس بازار که با شاخص تولید ناخالص داخلی سنجیده می‌شود نیز از جمله عواملی است که بر جذب FDI اثر مثبت دارد و شاخصی است که مزیت مکانی را نشان می‌دهد و تابع درجه صنعتی شدن، جمعیت و تجاری شدن فعالیت‌های اقتصادی است. انتظار بر آن است که در کشورهایی که فعالیت اقتصادی مبتنی بر بازار حاکم است، تولید ناخالص داخلی بالا باشد. هر چه اندازه بازار بزرگتر باشد تقاضای محصولات و خدمات ارائه شده توسط سرمایه‌گذاران خارجی افزایش می‌یابد و امکان دستیابی به صرفه‌های مقیاس را فراهم می‌نماید و منجر به کاهش هزینه‌های معاملاتی می‌گردد (عاقلی کهنه شهری، ۱۳۸۴: ۲۰۰) و (Pourshahabi et.al, 2011: 72). هرچند FDI منجر به رشد اقتصادی می‌شود، اما کشور میزبان باید دارای سطح حداقل درآمد آستانه‌ای باشد تا قدرت جذب تکنولوژی‌های جدید و بهره‌مندی از انتقال تکنولوژی را داشته باشد (Pourshahabi et.al, 2009, 38). رشد اقتصادی نیز که نشان‌دهنده توسعه بالفعل اقتصادی است نقش مهمی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران خارجی در کشور میزبان دارد (شاه‌آبادی و محمودی، ۱۳۸۵: ۱۰۷).

کیفیت زیرساخت‌های کشور میزبان می‌تواند بهره‌وری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در این کشور افزایش دهد. یک سرمایه‌گذار خارجی ترجیح می‌دهد که کشور میزبان که وی در آن اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نماید، دارای زیرساخت‌های قوی شامل حمل‌ونقل و ارتباطات باشد تا توزیع کالاها و خدمات تولیدی بنگاه تسهیل گردد (عاقلی کهنه شهری، ۱۳۸۴: ۲۰۰). همچنین



زیرساخت‌های مناسب حرکت اقتصاد به سمت رشد را با کمترین انحراف به دنبال دارد و سرمایه‌گذار خارجی ترجیح می‌دهد که کشور میزبان دارای شبکه توسعه‌یافته‌ای از جاده‌ها، فرودگاه‌ها، عرضه آب، عرضه بدون وقفه انرژی، تلفن و اینترنت باشد که این عوامل هزینه فعالیت‌های اقتصادی را کاهش داده و نرخ بازده سرمایه را افزایش می‌دهد (قنبری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۲). افزایش زیرساخت‌ها در سیستم حمل‌ونقل با کاهش هزینه‌ها، افزایش اعتبار، دقت و امنیت منجر به جلب هر دو نوع FDI شود، اما اثر بیشتری بر FDI عمودی دارد و امکان دسترسی بهتر بنگاه‌های خارجی را به بازارهای نهاده‌ها و محصولات فراهم می‌نماید و آنها را قادر می‌سازد تا به بازار جدید کشور میزبان و حتی کشورهای همسایه دسترسی یابند و از آن بهره ببرند (رجب‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۲ و ۱۲۳).

یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای با هدف ایجاد یک واحد اقتصادی بزرگ‌تر صورت می‌گیرد و همکاری تجاری، پولی، مالی و اقتصادی کشورهای عضو را به وجود می‌آورد. هدف از ایجاد یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای سرعت بخشیدن به رشد و توسعه کشورهای عضو است. همکاری‌های منطقه‌ای منجر به جذب سرمایه‌های خارجی کشورهای عضو و بهره‌گیری از تکنولوژی برتر ناشی از انتقال تکنولوژی به این کشورها و نیز دسترسی به بازارهای وسیع‌تر می‌گردد. بنابراین از آثار مهم ناشی از یکپارچگی اقتصادی بهره‌مندی از آثار سرریز منطقه‌ای است که عامل مهمی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها به‌شمار می‌رود (نجارزاده و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۳). همگرایی منطقه‌ای بین کشورهای اسلامی می‌تواند بر حجم سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی دوطرفه در این مجموعه از کشورها بیافزاید. این مجموعه از کشورها با تکیه بر مزایای نسبی و توانایی‌های مختلف اقتصادی می‌توانند زمینه حرکت در روند جهانی شدن اقتصاد را فراهم نمایند، تا با شناخت مزیت‌های نسبی و افزایش حجم مبادلات تجاری و جذب سرمایه‌های خارجی رشد اقتصادی را به‌همراه داشته باشند (نجارزاده و شقاقی شهری، ۱۳۸۵: ۳۵۸).

نرخ تورم یک کشور نشان‌دهنده افزایش مداوم و بی‌رویه سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات در آن کشور می‌باشد که منجر به ایجاد بی‌ثباتی و عدم اطمینان اقتصادی می‌گردد و با کاهش تقاضای مؤثر یا قدرت خرید در کشور میزبان همراه است. بی‌ثباتی تورم به‌عنوان یکی از عوامل ریسک، جریان ورودی سرمایه به کشور را کاهش می‌دهد (عاقلی کهنه شهری، ۱۳۸۴: ۲۰۰). ازسوی دیگر در شرایط افزایش مداوم قیمت‌ها و کاهش ارزش دارایی‌های داخلی، عاملان اقتصادی برای حفظ ارزش واقعی دارایی‌های خود ترکیب بهینه آنها را به نفع دارایی‌های خارجی تغییر می‌دهند که با خروج سرمایه از کشور همراه است. همچنین افزایش قیمت‌ها منجر به کاهش سود

خالص سرمایه‌گذاری و دارایی‌ها می‌شود که ورود سرمایه به کشور را کاهش می‌دهد (شاه‌آبادی و محمودی، ۱۳۸۵: ۱۰۵ و ۱۰۶). البته وجود یک تورم مثبت پایین که نشانه سیاست‌های پولی مناسب است، می‌تواند از طریق افزایش سود تولیدکننده منجر به سرمایه‌گذاری بیشتر گردد (Pourshahabi et.al, 2011: 77).

پایین بودن **بدهی خارجی** یک کشور و توان بازپرداخت بالای بدهی انگیزه FDI را در کشورها افزایش می‌دهد (عاقلی کهنه شهری، ۱۳۸۴: ۲۰۰). افزایش بدهی خارجی با افزایش میزان نشستی اقتصاد، تقاضا برای کالاهای تولید داخل و واردات را کاهش می‌دهد. همچنین افزایش نسبت بدهی خارجی به درآمدهای صادراتی با کاهش نرخ سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی همراه است. بنابراین انگیزه سرمایه‌گذار خارجی با افزایش بدهی خارجی یک کشور کاهش می‌یابد (شاه‌آبادی و محمودی، ۱۳۸۵: ۱۰۶). کشورهایی که بدهی خارجی بالایی دارند، به دلیل کسری بودجه و تأمین آن از طریق استقراض از بانک مرکزی و فشارهای تورمی موجب فرار سرمایه از کشور می‌شوند (افشاری و دیگران، ۱۳۸۸: ۸۲).

سرمایه‌گذاری داخلی از آنجایی که نشان‌دهنده گرایش مردم یک کشور برای کسب‌وکار و نیز اعتماد آنها به آینده اقتصاد می‌باشد، از جمله عوامل کلیدی در جذب FDI به‌شمار می‌رود. با توجه به آنکه سرمایه‌گذاری همراه با خود اطلاعاتی در رابطه با محیط کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری کشور به همراه دارد، بنابراین سطح سرمایه‌گذاری داخلی یک کشور امکان ورود حجم بیشتری از FDI را به همراه خواهد داشت (شاه‌آبادی و محمودی، ۱۳۸۵: ۱۰۷). از سوی دیگر پویایی سرمایه‌گذاری داخلی خصوصی حاکی از حاکمیت اقتصاد بازار در کشور میزبان است که این موضوع برای سرمایه‌گذاران خارجی مورد توجه می‌باشد. اگر کشور در جذب سرمایه‌گذاران داخلی اعم از کل اقتصاد و مناطق آزاد موفق باشد، در جذب سرمایه‌گذاران خارجی به مناطق آزاد نیز موفق خواهد بود (تقوی و رضایی، ۱۳۸۹: ۱۶).

منابع طبیعی موجود در یک کشور نیز از عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاران خارجی در جهت بهره بردن از نهاده‌های موجود در آن کشور می‌باشد. منابع غنی طبیعی باعث جذب سرمایه‌گذار مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری در صنایع بالا و پایین‌دستی این منابع خواهد شد. همچنین سرمایه‌گذاری در این صنایع به‌عنوان صنایع پیش‌تاز راه‌یابی این کشورها به اقتصاد بین‌الملل، بازاریابی و جذب منابع مالی سرمایه‌ای در دیگر صنایع را تسهیل خواهد نمود (شاه‌مرادی و محمودی، ۱۳۸۵: ۱۱۲). سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی برای اطمینان بیشتر، کشورهای میزبانی را برای سرمایه‌گذاری انتخاب می‌نمایند که شرکت‌های تابعه آنها از نظر مکانی دارای ثبات بیشتری



باشد یا دارای ذخیره نهاده بیشتر به‌ویژه از نظر انرژی و مواد خام باشد (قنبری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

امنیت اقتصادی منجر به آن می‌شود که بنگاه تولیدی بدون نگرانی از خطرهای محیطی به برنامه‌ریزی بلندمدت بپردازد. با توجه به ریسک‌گریز بودن سرمایه‌گذاران، آنها در کشورهایی سرمایه‌گذاری می‌نمایند که پایداری سیاسی بیشتری وجود داشته و محیط اقتصادی پایدار باشد (Pourshahabi et.al, 2011: 77). از نظر سرمایه‌گذار، اقتصادی دارای امنیت اقتصادی است که دارای متغیرهای اقتصادی باثبات بوده و متغیرهای فوق محدوده نوسان مشخصی باشند که براساس آن شرایط آینده اقتصاد برای عواملان اقتصادی قابل پیش‌بینی باشد. بنابراین دستورالعمل‌ها و سیاست‌های جدید محدودکننده، سیاست‌های پولی و مالی، مالیات‌ها، عوارض، تعرفه‌ها، دخالت‌های دولت در بازار، احترام به مالکیت و ناآرامی‌های محیطی از جمله مسائلی هستند که باید در مورد ایجاد امنیت اقتصادی مورد توجه قرار گیرند (درگاهی، ۱۳۸۵: ۶۳).

تحریم‌های اقتصادی

تحریم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یک نمونه از تحریم‌های تجاری است که ممکن است در روابط بین‌الملل مورد توجه قرار گیرد. در تحریم سرمایه‌گذاری، آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد جلوگیری از ورود ارز و سرمایه خارجی توسط سرمایه‌گذاران خارجی است که عموماً هدف آنها سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیربنایی و بنیادی اقتصاد جامعه است که ارتباط مستقیم با منابع طبیعی، زیرزمینی، نیروی انسانی و مدیریتی کشور سرمایه‌پذیر دارد. تحریم سرمایه‌گذاری ازسویی دیگر ارتباط مستقیمی با تحریم مالی دارد. در تحریم مالی، محدودیت و تضيیقات و فشارهایی بر روابط مالی کشور هدف اعمال می‌شود.^۱

بدین ترتیب سرمایه‌گذاری، سرمایه‌برداری، تأمین مالی و معاملات مالی کشور تحت فشار قرار می‌گیرد، از جمله جلوگیری از سرمایه‌گذاری کشور مورد تحریم در کشورهای دیگر و ممانعت از سرمایه‌گذاری کشورهای دیگر در کشور مذکور و سرمایه‌برداری، یعنی فروش دارایی‌های موجود در کشور مورد تحریم. تحریم اقتصادی در پی آن است تا به هر نحو ممکن، کشور مورد تحریم را از انجام داد و ستدهای بین‌المللی محروم سازد. تحریم از بابت نحوه اعمال نیز به چند دسته تقسیم می‌شود. تحریمی که صرفاً از طرف یک کشور به صورت یک‌جانبه اعمال می‌شود. چنین تحریم‌هایی با توجه به حجم معاملات بین دو کشور موضوع تحریم، می‌توانند در اقتصاد یکدیگر تأثیرگذار

۱. شجری و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۲۰.

باشند. بدیهی است پایین بودن حجم معاملات تجاری و بازرگانی کشور تحریم شده با کشور اعمال‌کننده تحریم، باعث خواهد شد چنین تحریمی چندان اثرگذار نباشد. حال آنکه تحریم‌هایی که از ناحیه چند کشور به اتفاق، اعمال می‌شود یا تحریم‌های اعمال شده از ناحیه شورای امنیت سازمان ملل متحد، نه تنها حامل آثار عمیق‌تر و شدیدتری است، بلکه از نظر حقوق بین‌الملل نیز متضمن آثار حقوقی است.

اعمال تحریم برای هر دو کشور موضوع، هزینه‌هایی دربر دارد که نخستین آنها هزینه‌های زمانی و مالی برای تغییر بازار، استفاده از کالاهای وارداتی و صادراتی، مناسبات تجاری، بازرگانی و مالی است. تحریم باعث بالا رفتن خطر سرمایه‌گذاری و عدم تمایل ورود سرمایه خارجی شده و فضای غیرامنی را برای فعالیت و بازرگانی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی فراهم می‌آورد. تحریم منجر به تغییر منفی در رتبه‌بندی ریسک کشور هدف می‌شود، درحالی که افزایش یا کاهش ریسک، موجب زیاد و کم شدن هزینه‌های معاملات و هزینه‌های روانی می‌شود و نگاه سرمایه‌گذاران را به فرصت‌های سرمایه‌گذاری با تردید مواجه می‌کند. اعمال تحریم اصولاً طی مراحل مختلف انجام می‌شود و پیش از شروع تحریم اقتصادی عموماً چهار مرحله طی می‌شود. در مرحله نخست کشور اعمال‌کننده بالقوه، تحریم به صورت خصوصی با کشور هدف وارد مذاکره می‌شود تا آن کشور را به تغییر روش ترغیب کند. در مرحله بعد، تحریم، اعلام عمومی می‌شود و در مرحله سوم با متحدین خود به مشورت گذاشته می‌شود. مرحله چهارم، مرحله شروع تحریم است که از موارد غیراقتصادی آغاز می‌شود.^۱

تحریم‌های غیراقتصادی هم متعدد هستند، از جمله لغو جلسات چندجانبه در کشور هدف، فراخوانی سفرا و کاهش سطح روابط بین‌المللی، جلوگیری از پیوستن آن کشور به کنوانسیون‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، مخالفت با هر نوع میزبانی جلسه سیاسی در آن کشور، قطع کمک‌ها اعم از وام‌ها، تأمین‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌ها و در آخر قطع ارتباطات اعم از رادیویی، تلفنی، حمل‌ونقلی و پست و تلگراف. بخش‌های اقتصادی مورد تحریم کشورهایی که از وسعت و غنای منابع طبیعی، جغرافیایی و نیروی انسانی برخوردارند، از جهات مختلف می‌توانند مورد تحریم قرار گیرند. در بخش کشاورزی که از قطب‌های حساس اقتصادی به‌شمار می‌آید و به‌طور مستقیم با امنیت غذایی توده مردم سروکار دارد، عواقب و آثار ناشی از تحریم می‌تواند نگران‌کننده و عمیق باشد. در چنین شرایطی ممکن است ابتدا تولیدات کشاورزی به دلیل اهمیت و حمایت بیشتر دولت افزایش یابد اما در بلندمدت نارسایی‌های بسیاری پدید خواهد آمد. یکی دیگر از بخش‌هایی که در معرض مستقیم



تحریم است، بخش بانکی است. شایان ذکر است که تحریم بانک‌های داخلی توسط بانک‌های خارجی که عمدتاً بانک‌های چندملیتی و فراملی هستند، تأثیر مستقیمی در مختل کردن امکان انتقال ارز، انجام معاملات بین‌المللی از طریق گشایش اعتبارات اسنادی، فاینانس و ریفاینانس دارد. در بخش صنعت نیز، تحریم آثار خود را دارد و بیش از هر چیز تولید داخلی، تأمین مواد اولیه، لوازم یدکی و تجهیزات، دانش فنی و فناوری را مختل می‌کند و منجر به کاهش میزان صادرات می‌شود. نفت و گاز نیز یکی دیگر از بخش‌های آسیب‌پذیر اقتصادی در مقابل تحریم هستند که در شرایط تحریم از بهره‌مندی از فناوری و تکنولوژی مدرن بازمانده و در اقتصادهای تک‌محصولی، کاهش میزان استخراج به کاهش درآمد، تعطیلی شرکت‌های سرمایه‌گذار و بیکاری نیروی کار منجر می‌شود.

۴. عوامل مؤثر بر جذب سرریزهای دانش از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

FDI علاوه بر تأمین مالی سرمایه مورد نیاز کشور میزبان منجر به انتقال فناوری جدید و ایده‌های نو به کشور فوق می‌گردد. مطالعه برنرتن، گریگوریو و لی^۱ (۱۹۹۸) نشان‌دهنده آن است که FDI از طریق انتقال فناوری مناسب و پیشرفته افزایش کارایی سرمایه را به دنبال داشته که در نتیجه آن رشد اقتصادی کشور میزبان را افزایش می‌دهد. نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که در صورت ضعیف بودن حقوق مالکیت معنوی در یک کشور سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی در بخش‌های فناوری بر و مبتنی بر دانش و نوآوری وارد نشده و امکان بهره‌مندی کشور از سرریزهای دانش از طریق FDI را کاهش خواهد داد. زیرا سرمایه‌گذاران خارجی از ترس کپی شدن نوآوری و تکنولوژی مورد استفاده و انتشار اطلاعات مربوط به آن از انتقال تکنولوژی‌های جدید به کشورهای فاقد حقوق مالکیت معنوی قوی جلوگیری می‌نمایند.

ورود FDI با افزایش تقاضا برای نیروی کار ماهر همراه است، زیرا شرکت‌های چندملیتی (MNCs) به دلیل تکنولوژی سرمایه‌بر نسبت به شرکت‌های داخلی و نیاز به نیروی کار ماهر مکمل سرمایه، تقاضای بالاتری برای نیروی کار ماهر به وجود خواهند آورد. همچنین دلیل دیگر وجود آثار سرریز می‌باشد. براین اساس تکنولوژی‌های جدید وارد شده از طریق FDI منجر به افزایش بهره‌وری نیروی کار ماهر در بخش‌های مختلف اقتصاد می‌گردد و موجب یکسان‌سازی و هماهنگی بخش‌های مختلف اقتصاد داخلی می‌گردد که افزایش تقاضا برای نیروی کار ماهر را به دنبال دارد (نصایبان، ۱۳۸۵: ۱۰۱). مطالعه تانا و توپایبول^۲ (۲۰۰۳) نشان‌دهنده آن است که اثر متقابل FDI و سرمایه انسانی در صورتی که کشور میزبان دارای سرمایه انسانی بالای حداقل آستانه باشد،

1. Borensztein, Gregorio & Lee

2. Tanna & Topaiboul

می‌تواند رشد اقتصادی را افزایش دهد. بنابراین در صورتی کشور میزبان می‌تواند از مزایای سرریز دانش ناشی از FDI استفاده نماید که یک حداقل آستانه‌ای از سرمایه انسانی را دارا باشد (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۴) و (Pourshahabi et.al, 2011: 73).

باید توجه نمود که اثر سرریز ناشی از FDI بر شرکت‌های داخلی با میزان شکاف تکنولوژی میان بنگاه‌های داخلی و بنگاه‌های خارجی در ارتباط می‌باشد. اگر شکاف تکنولوژی در صنعتی در داخل یک کشور با شرکت‌های چندملیتی (MNCs) در آن صنعت کم باشد و یا شکافی بین تکنولوژی این دو وجود نداشته باشد، در این صورت هیچ نوع اثر سرریزی در اثر انتقال تکنولوژی و دانش جدید به آن صنعت وجود نخواهد داشت. همچنین اگر شکاف تکنولوژی‌ای بین شرکت‌های داخل و خارج از کشور بیش از حد معمول باشد، انتقال تکنولوژی صورت نگرفته و اثر سرریز شکل نمی‌گیرد (نصایبان، ۱۳۸۵: ۱۰۳). بنابراین بهره‌مندی از FDI دارای تکنولوژی مناسب با ظرفیت کشور می‌تواند علاوه بر امکان برخورداری از سرمایه خارجی امکان بهره بردن از سرریزهای دانش بین‌المللی را نیز فراهم نماید.

توسعه سیستم مالی کشورها می‌تواند در تأثیرگذاری FDI بر رشد اقتصادی مؤثر باشد، البته اثرگذاری آن بستگی به این موضوع دارد که بازار مالی در حد کافی توسعه یافته باشد (مهدوی و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۶ و ۳۷). توسعه بازارهای مالی علاوه بر تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی نشانگر پویایی اقتصاد و ثبات آن است که سرمایه‌گذاری خارجی بیشتری را جلب می‌نماید. توسعه بازارهای مالی پتانسیل بهره‌مندی از FDI عمودی را افزایش می‌دهد (جلائی و صباغ پورفر، ۱۳۸۸: ۱۷۳ و ۱۷۵). همچنین از آنجایی که سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید نسبت به سایر پروژه‌های سرمایه‌گذاری از ریسک بالاتری برخوردار است، سیستم مالی توسعه یافته داخلی، ریسک کارآفرینان را در به‌روز نمودن تکنولوژی‌های موجود توسط شرکت‌های خارجی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر تأمین وام مورد نیاز شرکت‌های خارجی افق سرریزی فناوری‌های جدید به شرکت‌های داخلی را افزایش خواهد داد (درگاهی، ۱۳۸۵: ۶۴).

۵. پیشنهادهای سیاستی مؤثر بر گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران

کشورهای درحال توسعه از جمله ایران جهت دستیابی به توسعه اقتصادی باید توجه خود را جهت دریافت سرمایه‌های خارجی به سمت FDI معطوف نمایند، تا از این طریق دسترسی بیشتر به سرمایه را در کشور به‌وجود آورده و از سوی دیگر زمینه انتقال تکنولوژی و بهره‌مندی از سرریزهای دانش بین‌المللی را فراهم نمایند. در این راستا سیاست‌های ذیل در جهت گسترش FDI



در کشور پیشنهاد می‌گردد:

بازبینی قانون جلب سرمایه‌گذاری خارجی با هدف گسترش FDI ورودی به کشور از طریق تسهیل شرایط عمومی پذیرش سرمایه و شفاف نمودن آن، مشخص نمودن یک مرجع تصمیم‌گیری در حوضه FDI، ارائه تسهیلات و سیاست‌های تشویقی مناسب، شفاف نمودن قوانین حمایتی و ضمانتی، تسهیل ورود و خروج سرمایه، کاهش محدودیت‌های حوزه فعالیت و مشارکت سرمایه‌گذار خارجی، تسهیل دریافت مجوز و حذف بوروکراسی اداری از طریق بهره‌گیری از دولت الکترونیک، حمایت از تحرک سرمایه و نیروی کار متخصص، امکان بهره‌مندی از زیرساخت‌ها برای سرمایه‌گذار خارجی و نیز شناسایی سایر نقاط ضعف قانونی و برطرف نمودن آنها.

با توجه به آنکه مخاطرات سیاسی هزینه معاملاتی بالایی را از طریق نااطمینانی در اقتصاد ایران به همراه داشته است. کاهش مخاطرات سیاسی از جمله سیاست‌های مؤثر در گسترش FDI در کشور می‌باشد که از طریق سیاست‌های حکمرانی خوب قابل دستیابی است. ثبات سیاست‌های دولت و عدم روزمره بودن آنها می‌تواند در ایجاد حکمرانی خوب در کشور نقش بسزایی داشته باشد. ایجاد سیستم قانونی مؤثر، بی‌طرف و شفاف که می‌تواند قانون و نظم را در کشور حکمفرما نماید نیز از سیاست‌های مناسب می‌باشد که از طریق برطرف نمودن قوانین زائد و ایجاد قوانین شفاف و ساده زمینه سرمایه‌گذاری مطمئن را فراهم می‌نماید. حرکت در مسیر ثبات سیاسی از طریق کاهش مناقشه‌های خارجی به وسیله تعامل و دیپلماسی فعال بین‌المللی و جایگزین نمودن گفتمان سیاسی به جای منازعات سیاسی در فضای سیاسی داخل کشور نیز در جلب سرمایه‌های خارجی نقش مهمی را بازی می‌کنند.

براساس معیارهای جهانی موقعیت ایران از نظر حمایت از حقوق مالکیت معنوی در سطح ضعیفی قرار دارد و این موضوع منجر به آن شده است که اکثر شرکت‌های خارجی از سرمایه‌گذاری در صنایعی که از اهمیت حقوق مالکیت بالایی برخوردار می‌باشند، خودداری نموده و تنها اقدام به FDI در صنایع سرمایه‌بر و کاربر که سهم نیروی انسانی ماهر بالایی را ندارند تمرکز نمایند. بنابراین، حمایت از حقوق مالکیت فکری به عنوان بخشی از عوامل حمایتی و تشویقی برای جریان FDI از طریق ایجاد امنیت سرمایه می‌تواند موجب تداوم حضور سرمایه‌گذاران خارجی در کشور گردد. در نتیجه باید در جهت بهبود موقعیت بین‌المللی ایران از نظر حقوق مالکیت فکری با قانونگذاری ملی، عضویت در سازمان‌های جهانی و موافقتنامه‌های بین‌المللی و نهادهای آموزشی اقدامات جدی نمود.

ارائه تشویق‌های مالیاتی مطلوب برای سرمایه‌گذاران خارجی در کشور می‌تواند از طریق افزایش رشد اقتصادی کشور درآمدهای مالیاتی بالاتری را در آینده به همراه داشته باشد، البته

تشویق‌های مالیاتی مورد نظر باید به‌گونه‌ای باشد که در جهت تشویق سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری‌های جدید و براساس اولویت‌های مشخص صورت گیرد و منجر به محروم نمودن دولت از درآمدهای آینده نگردد. در این راستا شناسایی اولویت‌های کشور از نظر جذب سرمایه‌گذاری خارجی دارای تکنولوژی پایین، متوسط و بالا و تعیین مشوق‌های بیشتر برای صنایع با تکنولوژی بالا با هدف انتقال تکنولوژی مورد نیاز کشور می‌تواند علاوه بر تأمین نیاز تکنولوژی کشور زمینه بهره‌مندی از آثار سرریز دانش بین‌المللی را فراهم نماید.

اتخاذ راهبرد برون‌گرایی (استراتژی توسعه صادرات) در تجارت خارجی کشور می‌تواند برای اثرگذاری بیشتر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی و بهره‌مندی از منافع ناشی از آن اثرگذار باشد. همچنین همکاری‌های مشترک با کشورهای منطقه و کشورهای اسلامی از جمله راهکارهای زمینه‌ساز توسعه ظرفیت‌های صادراتی و جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی از طریق توافق یکپارچگی منطقه‌ای و حذف موانع تجاری و سرمایه‌ای بین کشورهای عضو و نیز پیوستن به سایر اتحادیه‌های تجاری موجود در جهان است که اندازه بالقوه بازار کشور را افزایش داده و انگیزه FDI را افزایش خواهد داد.

یکنواختی سیاست‌های اقتصاد کلان (پولی و مالی) که منجر به شرایط اطمینان و ثبات در فضای اقتصادی کشور می‌گردد، یکی از سیاست‌های مؤثر در جذب FDI خواهد بود. در شرایط فعلی کشور با اتخاذ سیاست‌های ناپایدار و بی‌ثبات شرایط نااطمینانی اقتصادی در کشور منجر به کاهش انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در کشور شده است. افزایش امنیت سرمایه از طریق ثبات در سیاست‌های دولت و حاکمیت قانون در اقتصاد به‌عنوان مشوق برای سرمایه‌گذار خارجی عمل خواهد نمود که امکان پیش‌بینی وضعیت آینده اقتصاد و سرمایه‌گذاری بلندمدت را برای وی فراهم خواهد نمود.

هرچند افزایش نرخ ارز از طریق افزایش قدرت خرید سرمایه‌گذار خارجی منجر به افزایش FDI در کشور می‌گردد، از طرف دیگر نیز پایین بودن ارزش پول ملی یک کشور میزان بازده شرکت چندملیتی (MNCs) برحسب پول کشور خارجی را کاهش می‌دهد که این موضوع چندان مورد رضایت سرمایه‌گذار خارجی نخواهد بود. نوسانات نرخ ارز نیز با ایجاد شرایط بی‌ثباتی و نااطمینانی و در نتیجه کاهش امنیت سرمایه برای سرمایه‌گذار همراه است. بنابراین تکنرخی نمودن نرخ ارز، جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی در شرایط فعلی رویارویی با تحریم‌های اقتصادی، تقویت پول ملی و تثبیت آن در سطح مناسب با استفاده از سیستم نرخ ارز شناور مدیریت شده باید در شرایط فعلی دنبال گردد تا با ایجاد ثبات نسبی در بازار ارز زمینه جلب سرمایه‌گذار خارجی به



سمت سرمایه‌گذاری داخل کشور فراهم شود.

با توجه به محدود بودن حجم بودجه و میزان سرمایه‌گذاری دولت و لزوم سرمایه‌گذاری دولت در زیرساخت‌های اساسی جهت ورود سرمایه خارجی به کشور شناسایی مناطق ویژه آزاد اقتصادی مناسب دارای حداقل زیرساخت‌های اقتصادی و تجهیز مناطق فوق به زیرساخت‌های لازم مانند: آب، برق، ارتباطات و حمل‌ونقل و ... و نیز معرفی مناطق ویژه فوق و زیرساخت‌های آن به سرمایه‌گذاران خارجی که دارای شرایط جغرافیایی مناسب از لحاظ توزیع تولیدات نیز باشد، می‌تواند در جلب نظر سرمایه‌گذار خارجی برای سرمایه‌گذاری مستقیم در کشور اثرگذار باشد. باید به گسترش زیرساخت‌های حمل‌ونقل از طریق گسترش شبکه‌های جاده‌ای، خطوط راه‌آهن، ناوگان‌های هوایی و دریایی توجه جدی شود تا از طریق کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذار خارجی زمینه تشویق وی برای سرمایه‌گذاری فراهم گردد.

شناسایی کالاهای وارداتی دارای تکنولوژی بالا در کشورهای همسایه و تعیین اولویت‌های صنعتی دارای مزیت رقابتی و مشخص نمودن مناطق ویژه FDI با هدف صادرات در کشور که در نزدیکی بنادر، ایستگاه‌های راه‌آهن یا فرودگاه‌ها باشد و ارائه مشوق‌های لازم برای اولویت‌های فوق شامل تعرفه‌های گمرکی، معافیت‌های مالیاتی، حذف تشریفات زائد دولتی، قوانین کار انعطاف‌پذیر و ارائه زیرساخت‌های لازم برای واردات مواد خام، تولیدات واسطه‌ای، تجهیزات و ماشین‌آلات می‌تواند علاوه بر تأمین نمودن هدف اشتغال‌زایی که در حال حاضر از مشکلات اساسی کشور به‌شمار می‌رود و نیز فراهم نمودن درآمد ارزی مستقل از درآمدهای نفتی، زمینه انتقال تکنولوژی پیشرفته به کشور را فراهم نماید.

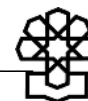
ارتقای سرمایه انسانی و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص در کشور می‌تواند نقش بسزایی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور داشته باشد. با توجه به آنکه سرمایه‌گذار خارجی کیفیت سرمایه انسانی را مورد توجه قرار می‌دهد، باید توجه شود که سیستم آموزش عالی کشور باید در جهت بهبود کیفیت نیروی انسانی ماهر و متخصص از طریق دانشگاه‌ها و مؤسسات فنی‌وحرفه‌ای اقدام نماید. توجه به آموزش دانش روز و نیز کاربردی بودن آموزش‌های صورت گرفته دارای اهمیت بالایی می‌باشد. اما متأسفانه در سال‌های اخیر توسعه آموزش عالی بدون در نظر گرفتن عوامل فوق منجر به وفور سرمایه انسانی بی‌کیفیت در کشور شده است که فاقد بهره‌وری مناسب می‌باشند. بنابراین تجدیدنظر در هدف قرار دادن کمیّت به‌جای کیفیت در تربیت سرمایه انسانی می‌تواند ضمن جلوگیری از هدر رفتن سرمایه‌های کشور از کاهش بهره‌وری کشور ناشی از به‌کارگیری سرمایه انسانی بی‌کیفیت جلوگیری نماید. در این راستا باید از نگاه اقتصادی دانشگاه‌ها برای جذب دانشجو و تبدیل شدن دانشگاه‌ها به بنگاه‌های اقتصادی ممانعت به‌عمل آورد.

دولت باید با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند سعی در ایجاد محیطی مناسب جهت تنظیم روابط اجتماعی داشته باشد تا با کمترین هزینه و کمترین زمان ممکن به‌عنوان نهاد مکمل بازار عمل نموده و موجب رشد اقتصادی در کشور را فراهم نماید. در این راستا اجرای سیاست‌های اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی و خصوصی‌سازی اقتصاد می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد و با خارج شدن دولت از اقتصاد به‌عنوان رقیب بخش خصوصی عمل نکرده و به‌عنوان یک نهاد مکمل در کنار بازار در شرایط شکست بازار اقدام به مداخلات اثربخش نماید. در این صورت افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به‌عنوان نشانه آماده بودن وضعیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاری خارجی عمل خواهد نمود.

اجرای سیاست خودکفایی و جایگزینی واردات در کشور منجر به کاهش جذب سرمایه‌های خارجی در کشور می‌گردد، زیرا جهت حمایت از تولیدکننده داخلی تعرفه‌های بالایی بر سر راه واردات قرار داده شده است که این موضوع هزینه سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی را افزایش خواهد داد و به همین دلیل اثر منفی بر FDI در کشور خواهد داشت که این موضوع رقابت‌پذیری بنگاه‌های داخلی را نسبت به بنگاه‌های خارجی با توجه به فعالیت بدون رقابت کاهش می‌دهد. بنابراین حمایت از واردات و کاهش تدریجی موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در برابر تجارت خارجی در جهت آزادسازی اقتصادی و یکپارچگی در اقتصاد جهانی می‌تواند نقش بالایی در رقابت‌پذیر شدن بنگاه‌های داخلی و نیز جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشور داشته باشد.

علاوه بر توانمندسازی بخش خصوصی اعمال اصلاحات ساختاری در بخش دولتی و اجرای هرچه سریع‌تر برنامه‌های خصوصی‌سازی جهت کاهش حجم تصدیگری دولت می‌تواند در کاهش فساد در اقتصاد اثر مثبت داشته باشد. کاهش فساد به‌عنوانی عاملی مثبت برای ورود FDI به شمار می‌رود. با توجه به آنکه دولت در اقتصاد ایران اقدام به تصدیگری اقتصادی می‌نماید، بنابراین به‌عنوان رقیب بخش خصوصی در اقتصاد به‌شمار رفته و با توجه به برخورداری از انواع رانت توانمندسازی بخش خصوصی را مختل نموده است. همچنین ازسوی دیگر دولت برخورداری از انواع رانت ازجمله رانت اطلاعات می‌باشد که منجر به ایجاد فساد می‌شود. در نتیجه خروج دولت از اقتصاد می‌تواند حجم فساد را تا سطح بالایی در کشور کاهش دهد و از این طریق محیطی مناسب‌تر را برای سرمایه‌گذار خارجی فراهم نماید.

ارائه تسهیلات بانکی به سرمایه‌گذاران داخلی بدون مداخله دولت و آزادسازی مالی و عدم سرکوب مالی می‌تواند نقش بسزایی در تعادل بازار مالی و پول در کشور داشته باشد. توسعه سیستم بانکی از طریق آزادسازی مالی و ایجاد فضای رقابتی بین بانک‌های مختلف در جهت ارائه



خدمات بهتر به سرمایه‌گذاران می‌تواند در جذب سرمایه‌گذاران خارجی مؤثر باشد. همچنین گسترش بازار سهام کشور و افزایش اندازه بازار از طریق تشویق مردم در جهت سرمایه‌گذاری در بازار سهام برای بالا بردن حجم معاملات در بازار سهام می‌تواند در جذب سرمایه‌گذاران خارجی مؤثر باشد. از طرف دیگر مداخله دولت در بازار مالی و ارائه وام‌های مبتنی بر ضمانت دولت و نیز سرکوب مالی دولت نشان‌دهنده فضای نامطلوب بازار مالی کشور بوده و عاملی بازدارنده در برابر سرمایه‌گذار خارجی محسوب می‌شود.

۶. پیشنهادهای سیاستی مؤثر بر جذب سرریزهای دانش ناشی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

با توجه به آنکه حجم بالای FDI ورودی به اقتصاد ایران به زیربخش‌های نفت و گاز و به‌طور کلی پتروشیمی وارد شده است، بنابراین FDI صورت گرفته از نوع افقی بوده و نتوانسته است عوامل داخلی را تحریک نماید. در نتیجه ورود سرمایه‌های مستقیم خارجی در بخش‌های صنعت، معدن و کشاورزی کشور می‌تواند زمینه تحریک عوامل داخلی را فراهم نموده و امکان بهره‌مندی از آثار سرریز دانش را برای اقتصاد ایران فراهم نماید. در این زمینه مشخص نمودن مشوق‌های لازم برای جلب سرمایه‌های خارجی در بخش‌های صنعت، معدن و کشاورزی می‌تواند راهگشا باشد.

بخشی از صنعت ایران به دلیل استفاده از تکنولوژی‌های قدیمی و کاربر دارای شکاف تکنولوژی با شرکت‌های چندملیتی (MNCs) می‌باشد و در نتیجه امکان تطبیق بنگاه‌های داخلی با بنگاه‌های چندملیتی وجود ندارد و در صورت بروز FDI امکان انتقال سرریز دانش وجود ندارد. بنابراین بخش صنعت ایران باید با برنامه‌ریزی بلندمدت در جهت تغییر ساختار تکنولوژی با همکاری شرکت‌های چندملیتی (MNCs) و به‌کارگیری نیروی کار ماهر و برگزاری دوره‌های لازم با همکاری شرکت چندملیتی (MNCs) زمینه را برای بهره‌مندی از سرریزهای دانش ناشی از FDI در بلندمدت فراهم نماید. افزایش انباشت سرمایه R&D داخلی از طریق پیشرفت تکنولوژی، بهره‌وری کل عوامل تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین گسترش فعالیت‌های R&D داخلی منجر به استفاده کارآتر از منابع داخلی و جذب تکنولوژی پیشرفته خارجی می‌شود و خلق تکنولوژی برای کالاهای جدید را به همراه خواهد داشت.

تشویق سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به‌کارگیری تکنولوژی‌های جدید و ارائه بسته‌های تشویقی برای بنگاه‌های بهره‌مند از تکنولوژی‌های نو می‌تواند در تحریک سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در به‌کارگیری دانش‌های جدید و در نتیجه آن به‌کارگیری نیروی کار ماهر و

تحصیل‌کرده نقش بسزایی داشته باشد. همچنین برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت نیز می‌تواند در جهت توانمندسازی نیروی کار موجود در بخش‌های مختلف اقتصاد و افزایش بهره‌وری کل اقتصاد مؤثر باشد.

برنامه‌ریزی مناسب در جهت ارائه یارانه به بنگاه‌های تولیدی دارای خطوط تولید با تکنولوژی قدیمی در جهت تعویض فرآیند تولید با خطوط پیشرفته نیز می‌تواند در نوسازی مناسب بخش‌های مختلف اقتصاد مهم باشد. زیرا به دلیل قدیمی شدن بخشی از فناوری‌های مورد استفاده در کشور کارآیی بنگاه‌های تولیدی در کشور پایین بوده و این موضوع بر بهره‌وری اثر منفی داشته است. همچنین با توجه به آنکه دولت و شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی سهم بسزایی در اقتصاد ایران بازی می‌نمایند، بنابراین با توجه به کارآیی پایین بنگاه‌های دولتی و عدم توجه به بهره‌مندی از دانش روز به دلیل برخورداری از حمایت‌های دولتی، واگذاری شرکت‌های فوق به بخش خصوصی مطابق با سیاست‌های اصل چهارم قانون اساسی می‌تواند در نگاه بازارگرایانه بر فعالیت بنگاه‌های فوق اثر داشته و در جهت استفاده از دانش روز و نیروهای متخصص حرکت نموده و بهره‌وری کل اقتصاد را افزایش دهد.

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر عدم جذب سرریزهای دانش ناشی از FDI تکنولوژی پایین موجود در کشور است که می‌توان آن را به حمایت‌های بیش از حد دولت از تولیدات داخلی مربوط دانست. هرچند حمایت‌های دولت از صنایع نوپا و تولیدات داخلی تا حدی برای حفظ اشتغال و حمایت از تولیدات داخلی لازم می‌باشد، اما باید از ادامه حمایت بدون محدودیت از صنایع داخلی و عدم رقابت بین بنگاه داخلی و بنگاه‌های خارجی جلوگیری نمود تا منجر به عدم نیاز بنگاه به نوآوری و ابداع و بهره‌مندی از تکنولوژی‌های نوین نگردد که در نهایت با کاهش بهره‌وری در کشور همراه خواهد بود.

انباشت R&D کشور مبدأ FDI نقش بالایی در جذب تکنولوژی و بهره‌مندی از سرریزهای دانش در اقتصاد خواهد داشت. FDI کشورهایی که تکنولوژی نزدیک به تکنولوژی کشور دارند، نمی‌تواند با آثار سرریز انتقال دانش در کشور همراه باشند و در صورت بروز این پدیده اثر آن ناچیز خواهد بود. همچنین جذب FDI کشورهای دارای تکنولوژی بالا نیز در صورت عدم همخوانی با سرمایه انسانی کشور امکان برخورداری از آثار سرریز را فراهم نمی‌کند. در نتیجه انتخاب کشورهایی به عنوان مبدأ FDI که امکان انتقال دانش را به همراه داشته باشد از موضوعات مهم در این بخش است.

پایین بودن حجم R&D داخل کشور و فعالیت‌های تحقیقاتی کشور امکان جذب انباشت



سرمایه R&D خارجی را برای کشور فراهم نکرده است. با توجه به دولتی بودن بخش بزرگی از اقتصاد کشور و عدم کارآیی مناسب هزینه‌های R&D شرکت‌های دولتی و حجم اندک هزینه‌های R&D بخش خصوصی در کشور مانع تحول و پویایی تکنولوژیک در اقتصاد کشور شده است. در این راستا خصوصی نمودن اقتصاد (با توجه به قانون سیاست‌های اجرای اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی) و همکاری‌های صنعت و دانشگاه در پروژه‌های تحقیقاتی و کاربردی نمودن تحقیقات دانشگاهی کشور در راستای رفع نیازهای صنعت و بومی نمودن فناوری‌های جدید می‌تواند راهگشا باشد.

از سیاست‌های لازم برای جذب FDI برقراری ارتباطات بین شرکت‌های خارجی و بنگاه‌های داخلی است. برقراری ارتباط بین این دو و همکاری شرکت‌های خارجی با بنگاه‌های داخلی می‌تواند نقش بسزایی در کارآیی تولید، بهره‌وری، ظرفیت فنی و مدیریتی بنگاه‌های داخلی داشته باشد. بنابراین تشویق سرمایه‌گذاری مشترک بنگاه‌های داخلی و سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی می‌تواند در بهره‌مندی از سرریزهای دانش برای کشور مفید واقع شود. ارتباط فوق می‌تواند از طریق ارتباط دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و مؤسسات تحقیقاتی با بنگاه‌های خارجی از سویی نیروی کار ماهر مورد نیاز بنگاه خارجی را در داخل کشور تربیت نماید. بدین ترتیب انتقال فناوری روی داده و از انتقال مراحل نهایی تولید (مونتاژ) جلوگیری می‌شود.

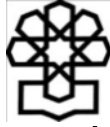
منابع و مآخذ

۱. آذربایجانی، کریم، آمنه شهیدی و فرزانه محمدی. بررسی ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت و رشد در چارچوب یک الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال نهم، شماره ۲، ۱۳۸۸.
۲. امینی، علیرضا، هستی ریسمانچی و علیرضا فرهادی‌کیا. تحلیل نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در ارتقای بهره‌وری کل عوامل (TFP)، یک تحلیل داده‌های تابلویی بین‌کشوری، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال چهاردهم، شماره ۴۳، ۱۳۸۹.
۳. امینی، علیرضا و زهره حجازی‌آزاد. تحلیل نقش سرمایه انسانی و تحقیق و توسعه در ارتقای بهره‌وری کل عوامل (TFP) در اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال دهم، شماره ۳۵، ۱۳۸۷.
۴. افشاری، زهرا، احمد یزدان‌پناه و آزاده رحمتی‌زاده. رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فرار سرمایه (بررسی موردی کشورهای منتخب منطقه منا طی دوره ۱۹۹۱-۲۰۰۶)، فصلنامه پول و اقتصاد، شماره ۲، ۱۳۸۸.
۵. تقوی، مهدی و مهدی رضایی. تأثیر عواملی بجز سیاست آزادسازی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق آزاد، پژوهشنامه اقتصادی، سال دهم، شماره ۱، ۱۳۸۹.
۶. جلائی، سیدعبدالحمید و مینا صباغ‌پورفرد. بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی

- ایران از مسیر بازارهای مالی، پژوهشنامه اقتصادی، ۹ (۲)، پیاپی ۳۳، ۱۳۸۸.
۷. داوودی، پرویز و اکبر شاهمرادی. بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۰، ۱۳۸۳.
۸. درگاهی، حسن. عوامل مؤثر بر توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: درس‌هایی برای اقتصاد ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی شریف، شماره ۳۶، ۱۳۸۵.
۹. ذوالقدر، مالک. مبانی نظری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۲، ۱۳۸۸.
۱۰. رضایی، مهدی. تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۳۸۶.
۱۱. رجب‌زاده، آرمین، مینا محجوب‌لاله و محمدرضا عباسی‌استمال. بررسی تأثیر زیرساخت‌های حمل‌ونقل بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران در دوره (۱۳۵۲-۱۳۸۶)، فصلنامه علوم اقتصادی، سال دوم، شماره ۷، ۱۳۸۸.
۱۲. شجری، هوشنگ. حسین استادی و سحر، سبزیپور. بررسی تأثیر تحریم اقتصادی بر نوسانات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اقتصاد ایران طی ۱۳۵۷-۱۳۸۸. اولین همایش بین‌المللی اقتصادسنجی، ۱۳۹۱.
۱۳. شاه‌آبادی، ابوالفضل و نیما نیلفروشان. رابطه جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با نوآوری ایران در مقایسه با کشورهای سند چشم‌انداز، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، سال هشتم، شماره ۳۰، ۱۳۹۱.
۱۴. شاه‌آبادی، ابوالفضل. اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت بین‌الملل و سرمایه انسانی بر بهره‌وری کل عوامل اقتصاد ایران، دو فصلنامه جستارهای اقتصادی، سال چهارم، شماره ۷، ۱۳۸۶.
۱۵. شاه‌آبادی، ابوالفضل و عبدالله محمودی. تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، ۳ (۵)، ۱۳۸۵.
۱۶. طیبی، سیدکمیل و روح‌اله بابکی. نقش باز بودن اقتصاد در درجه تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) بر صادرات کشورهای آسیایی و اقیانوسیه: درسی برای اقتصاد ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۸، ۱۳۸۷.
۱۷. طیبی، سیدکمیل، کریم آذربایجانی و بتول رفعت. (۱۳۸۶)، بررسی رابطه جریان تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۰، ۱۳۸۷.
۱۸. عاقلی‌کهنه‌شهری، لطفعلی. تخمین تابع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منتخب اسلامی، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵، پیاپی ۱۷، ۱۳۸۴.
۱۹. فطرس، محمدحسن و ابوالفضل نجارزاده نوش‌آبادی. بررسی اثر حقوق مالکیت معنوی روی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای گروه D8، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد، شماره ۲۴، ۱۳۸۹.
۲۰. قنبری، علی، محسن خضری و لقمان عبدالله‌زاده، شبیه‌سازی تابع عرضه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در ایران با استفاده از الگوریتم بهینه‌سازی کلونی مورچه‌ها (ACO)، تحقیقات اقتصادی، شماره ۴۵ (۹۳)، ۱۳۸۹.
۲۱. مزینی، امیرحسین و نیلوفر مرادحاصل. بازشناسی عوامل مؤثر بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، پژوهشنامه اقتصادی، ویژه‌نامه بازار سرمایه، شماره هفتم، ۱۳۸۹.
۲۲. مهرآرا، محسن و زینب اسدیان. تأثیر حکمرانی خوب بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط، مطالعات اقتصاد بین‌الملل، سال بیستم، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۵، ۱۳۸۸.



۲۳. مهدوی، ابوالقاسم و سجاد برخورداری. حقوق مالکیت فکری و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مجله دانش و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۲۴، ۱۳۸۷.
۲۴. مهدوی‌عادلی، محمدحسین، محمدحسین حسین‌زاده‌بحرینی و افسانه جوادی. تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط، مجله دانش و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۲۴، ۱۳۸۷.
۲۵. روح‌الله مهدوی، اسفندیار جهانگرد و محمود ختائی. تأثیر توسعه بازار مالی در تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی کشورهای میزبان با استفاده از روش داده‌های تابلویی، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۲، ۱۳۸۹.
۲۶. رضا نجارزاده و وحید شقاقی‌شهدی. همگرایی منطقه‌ای و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مطالعه موردی کشورهای اسلامی عضو منا)، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۲، ۱۳۸۵.
۲۷. نجارزاده، رضا، کاظم یآوری و وحید شقاقی‌شهری. همگرایی اقتصادی - منطقه‌ای و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای عضو منا)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال پنجم، شماره ۳، ۱۳۸۴.
۲۸. نصابیان، شهریار. نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال ایران، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۶ (پیاپی ۲۲)، ۱۳۸۵.
۲۹. هژبرکیانی، کامبیز و کیومرث سبزی. تخمین تابع عرضه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۶ (پیاپی ۲۲)، ۱۳۸۵.
۳۰. هژبرکیانی، کامبیز و محمدرضا ناهیدی. تأثیر بهره‌وری نیروی کار، امنیت سرمایه‌گذاری، نرخ ارز و شرایط تجاری بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران در شرایط ثبات و بی‌ثباتی، فراسوی مدیریت، سال چهارم، شماره ۱۶، ۱۳۹۰.
31. Borensztein, E., De Gregorio, J and Lee. W., How Does Foreign Direct Investment Affect Economic Growth, *Journal of International Economics*, 45(1), 1998.
32. Pourshahabi, F., Shirazi, A., and Safdarian, GH., the Impact of Foreign Direct Investment and Trade on Economic Growth-Taking China, Korea, Malaysia, Philippines & Thailand for Example, *China-Usa Business Review*, Vol 8, No. 12, 2009.
33. Pourshahabi, F., Mahmoudinia, D., and Salimi Soderjani, E. FDI, Human Capital, Economic Freedom and Growth in OECD Countries, *Research Journal of International Studies*, Issue 19, 2011.
34. Pourshahabi, F., Salimi Soderjani, E and Mahmoudinia, D. Panel Causality Relationship among FDI and Trade, *Iranian Economic Review*, Vol 33, 2013.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۳۳۳

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: راهکارهای گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و سرریزهای دانشی در ایران

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان)

تهیه و تدوین‌کنندگان: افشین حیدرپور، فرشید پورشهابی

مدیر مطالعه: افشین حیدرپور

ناظر علمی: رؤیا طباطبایی‌یزدی

مناقضی: معاونت پژوهش‌های اقتصادی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. رشد اقتصادی

۲. سرریزهای دانش

۳. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)

۴. تحریم اقتصادی

طبقه‌بندی JEL: O33, F43, F23

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۹/۶